

انقلاب و ضد انقلاب در کشور ما

صفحه ۷

نخست وزیر، هیئت دولت را به مجلس معرفی کرد

در جلسه دیروز مجلس شورای اسلامی ایران، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، نامه آقای محمدعلی رجائی نخست وزیر را مبنی بر معرفی هیئت دولت، قرائت کرد. متن نامه و اسامی اعضاء هیئت دولت بشرح زیر است:

به تاریخ ۰۹/۰۶/۶۹ ریاست محترم مجلس شورای اسلامی بدنبال مذاکراتی که با ریاست جمهوری بعمل آمد، قرار شد هیئت دولت به مجلس معرفی شود. براین اساس صورت اسامی

همکاران خود را به پیوست به آگاهی می رساند. اینجانب آمادگی دارم تا برای اعلام برنامه و کسب نظر نمایندگان محترم، در اولین فرصت در مجلس شورای اسلامی حاضر شوم.

محمدعلی رجائی
نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران
اسامی وزرا:

۱- اقتصاد و دارائی، برنامه و بودجه، امور اداری و استخدامی: محمد نوربخش
۲- مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه: سیداسماعیل دادوی
۳- بهداشتی: دکتر منافی

۴- مشاور و سرپرست بهزیستی: محمدعلی فیاض بخش
۵- پست و تلگراف: محمود قندی
۶- راه و ترابری: موسی کلانتری
۷- امور خارجه: حسین موسوی
۸- علوم و فرهنگ و هنر: دکتر حسن عارفی
۹- بازرگانی: رضا صدر و یا سیداسدالله لاجوردی
۱۰- صنایع: مهیندیس نعمت زاده
۱۱- آموزش و پرورش: محمدعلی رجائی
۱۲- کشاورزی: محمد سلامتی
۱۳- کار: احمد توکلی
۱۴- وزیر مشاور در امور اجرائی: بهزاد نبوی
۱۵- سرپرست مسکن و شهرسازی وزیر مشاور: محمدشهاب کتابداری
۱۶- نیرو: حسین عباس پور
۱۷- ارشاد ملی- عباس دوزدوزانی
۱۸- کشور: محمدرضا مهدوی کنی
۱۹- دفاع: (هنوز تعیین نشده است)



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۲
دوشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵۰ ریال

فرمان رهبر، به پیمان حزب (سوودآمدگی)

نهاد میدهد انقلابت که باز چراغ نگهدار و آماده باش به فرمان رهبر، به پیمان حزب به پیوند با خلق آزاده باش

سپاه ددان از کران تا کران زهرسو گرفته ترا در میان براین حلقه تنگ و نامردمی نگینی ز خون شجاعت نشان

برآور ز داد و ز دانش علم فراهم کن از خلقها توده ای که همراه و همگام و همداستان بسازیم فردای آسوده ای

به پیوند این دست و بازوی کار بشوریم بر فوج سرمایه دار نمائیم و پیکار پایان دهیم دگرگونه سازیمشان روزگار

ممانیم تک قطره های جدا در این شط تاریخ، یکجا شویم برآریم از موجها، موجها گران سنگ و جاوید دریا شویم

سیاوش کسوائی
شهریور ۱۳۵۹

لئونید برژنف: فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت

لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس جمهوری شوروی کازاخستان بیانات مهمی ایراد کرد، که نکات برجسته آن در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

پته در صفحه ۷

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به سازمان جوانان توده ایران پیوست

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، طی نامه ای به کمیته مرکزی حزب توده ایران، خواستار پیوستن به سازمان جوانان توده ایران شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پاسخ این نامه، خواست سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را پذیرفت. در زیر متن نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات به کمیته مرکزی حزب توده ایران، و پاسخ کمیته مرکزی حزب توده ایران به این نامه، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران

رفقای عزیز! نامه گرم و پرشور شما را دریافت داشتیم و از خواست شما مبنی بر مبارزه در سنگر سازمان جوانان توده ایران، زیر رهبری مستقیم حزب توده ایران، مطلع شدیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران از آغاز مبارزه خود را با حرکت خروشان طبقه کارگر در سرنگونی رژیم دست نشانده پهلوی و علیه امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، هماهنگ ساخت ویرجیم پیکاری را، که با شهادت وارطان ها، شوشتری ها، و باغدانیان ها، این

نامه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! صمیمانه ترین درودهای ما جوانانی که درسیاه ترین سالهای سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری راه دشوار مبارزه بخاطر آرمان های والای زحمتکشان و راهبر افتخار طبقه کارگر ایران و حزب آن، حزب توده ایران را برگزیده ایم، بپذیرید.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که بر اثر نیازها و ضروریات مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم و جوانان ایران، در فروردین ۱۳۵۴، به وجود آمد، در طی بیش از سه سال موجودیت خود، همواره در سنگر پویندگان یکپار و خستگی ناپذیر راه استقلال و آزادی ایران بوده است و در این دوران دشوار، در جریان نبرد مرک و زندگی، آزمون خود را داده و کارنامه آن - چه قبل و چه بعد از انقلاب - گواه این برخورد متعهدانه و بی ایتار است.

سازمان ما در این مدت کوتاه توانست احترام و توجه جوانان مترقی و انقلابی ایران و جهان را به خود جلب کند، و شایستگی

تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزدی در کیهان!

روزنامه کیهان، ارگان لیبرال های ایران، دروغهای شاخدار و مضحک امپریالیستهای انگلیسی را بخورد مردم ایران میدهد

صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

خانه ما را به خودمان برگردانید

از اشغال غیرقانونی و تاسف انگیز دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و دفتر نامه مردم، در تهران و دیگر اماکن منسوب به حزب توده ایران در شهرستانها چندین هفته میگذرد. این کارخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی و خلاف نظم انقلابی را عده ای ناآگاه و غیر مسئول - که در بین آنها عناصر مشکوک و ضدانقلابی هم بوده اند - مرتکب شده اند. ولی پس از آنکه عالی ترین مقامات پارلمانی، دولتی و قضائی کشور، لزوم تأمین فعالیت آزاد احزاب و گروههای سیاسی را در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بکرات و مراتب تأیید و تأکید کردند، انتظار ما این بوده است که ارگانهای مسئول مملکتی این بی عدالتی فاحش را از حزب توده ایران رفع کنند و اماکن اشغال شده حزب را بما برگردانند.

ما بنام منافع انقلاب، بر مبنای حقانیتی که با دفاع جانانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کسب کرده ایم، با اتکال بر قانون اساسی، که خونهای دهها هزار شهید گلگون کفن راه استقلال و آزادی است، از زمامداران و مسئولان دولتی و قضائی جمهوری اسلامی ایران انتظار عاجل داریم که با اقدام مسئولانه، آگاهانه و خیراندیشانه خود، خانه ما را به خودمان بازگردانند.

در شرایطی که امپریالیسم جهانخواه آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن در کمین آزادی راستقلال میهن ما هستند و ما بیش از هر چیز به اتحاد نیروهای صدیق انقلابی نیازمندیم، سدهای مصنوعی و غیرعادلانه را از سر راه قدیمی ترین حزب انقلابی کشورمان، حزب توده ایران بردارید. این خواست انقلاب، قانون و عدالت است. این راه اتحاد و قدرت و پیروزی نهایی خلق است.

دشمنان انقلاب ایران، راجع به حزب توده ایران چه میگویند؟

بختیار: بعد از اینکه به قدرت پرسم، اولین خصم من حزب کمونیست توده است.

(«اخبار ایران»، شماره ۲، ۲۹ خرداد ۵۹)

بختیار: «اگر به قدرت پرسم، تمام احزاب را آزاد خواهم گذاشت مگر حزب توده، که آنرا نابود خواهم کرد.» (از مصاحبه با صدای آمریکا، اوایل مرداد ۵۹)

نزیه: «اولین هدف انقلابیون باید نابودی آخوندهای طرفدار خمینی و رهبران سرسپرده حزب توده باشد.» (اخبار ایران، شماره ۲۳، ۱۵ مرداد ۵۹، صفحه ۵)

امیر انتظام: (بهنگام تصدی پست مستخکمی دولت موقت):

«حزب توده بموجب قوانین فعلی غیرقانونی است، و تا این قوانین لغو نشده اند، بقوت خود باقیند.»

رادویو بغداد: «ما از روی اجساد توده ای های کثیف گذر خواهیم کرد و رژیم خمینی را سرنگون خواهیم ساخت.» (مضمون مکرر تقصیرهای رادویو بغداد)

آیا این گفته ها هشدار نیست برای برخی دوستان ناآگاه انقلاب، که برخورد خصمانه با حزب توده ایران دارند؟

انقلاب و ضد انقلاب در کشورها

* مردم ایران حق دارند به آینده نبرد خود با دشمنان ضدانقلابی با امید و اطمینان بنگرند. * رویارویی انقلاب و ضدانقلاب در کشور ما بطرف اوج وحدت می رود

ضدانقلاب، یعنی فئودالها و سرمایه داران بزرگ وابسته و کارمندان عالی رتبه لشگری و کشوری رژیم سابق و ساواکیها و متحدها و نوپهلوی آنها از میان قشرهای بالایی و متوسط جامعه دوران پهلوی و گروهی از روشنفکران لیبرال، که بویژه پس از وضوح شدن سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب به سستی از آن دور شده اند و پیروزی ضدانقلاب را آرزو می کنند. برخی از آنها به سرعت در لجنزار خیانت می غلطند و در مواضع اصیل ضدانقلابی قرار می گیرند.

امپریالیستها و بر راس آنها امپریالیسم آمریکا و یک سلسله کشورهای ارتجاعی و نیز یک جمعی سرسخت ضدانقلابند. طبیعی است که این سه نیرو می توانند قشرها و عناصر نادان و یا بی صفت و خردخواه را از دیگر لایه های اجتماعی بدنبال خود بکشند.

این نیروی ضدانقلابی دارای یک هسته متشکل و فعال است، که مستقیم تحت رهبری کارمندان کارشناسی «سیا» در تهران و خارج مشغول فعالیت است و یک حاشیه بزرگ کما فی الواقع در حال انتظار، که در موقع خود به نیروی خطرناکی مبدل میشود.

هسته مرکزی خارج بطور آشکار از شاهپور بخبر، اویسی و پالیزبان تشکیل میشود، که با اشرف و دیگر اعضاء خاندان پهلوی در تماسند و مراکز آنها درواشنگین، نیویورک، لوس آنجلس، پاریس، لندن، کلن، زهره، بغداد و کراچی گرم گارد و پولهای غارتی پشتوانه آنهاست. اجبر کردن با پول اسلوب اساسی است.

ضدانقلاب با چهره سازی مصنوعی تا حدود معینی در نهادهای انقلابی و سازمانهای اسلامی و دستگاه دولتی رخنه کرده است. اگر درست است که افرادی مانند ابوالفضل قاسمی، احمد مدنی و خسرو قشقایی میتوانند حتی بوکالت برسند، پس از رخنه این افراد و نظیرشان در دستگاههای مختلف نیز نباید غافل بود.

سیطره بیش از صد ساله امپریالیستها در ایران به عیش و زور، چاکران و سرسپردگان و وابستگان به آنها در هر سراخ و سه راهی

وجرد دارند و بهمه اشکال درمی آیند: «بتشکل به اشکال مختلفه جنرالکلب وانفازیر».

در مقابل ضدانقلاب، انقلاب نیز دارای صفوف مهیسی است. درست است که تفرقه، مسامحهها و نداشتن کاربردی دولت موقت، مشکلات طبیعی پس از انقلاب، دشواریهای ناشی از محاصره اقتصادی و خرابکاری و تحریکات دشمن، تا حدودی از شور عمومی کاسته است، ولی در عین انقلاب بصورت دوتی متشکل شده و نهادهای انقلابی و دولتی جدید بوجود آورده است. مسازد کمیته ها، سپاه پاسداران، شوراهای و انجمن ها، جهاد سازندگی، ارتش بسیج عمومی، نیروهای مسلح سابق (که در آنها بخش های وفادار به انقلاب وجود دارند)، سازمانها و گروههای خلقی و سیاسی انقلابی و وفادار به انقلاب و غیره. آری انقلاب همچنان مورد پشتیبانی اکثریت قاطع مردم مینماید.

چنانکه از اظهار نظر مقامات رسمی در روزهای اخیر برمی آید، ضد انقلاب نقشه های چندسویه و دارای احتمالات و حالات مختلفه، خرابی کرده است و قصد دارد در هفته ها و ماههای آینده آنرا پیاده کند. آری آمریکا دست بردار نیست. فقط زمانی که پوزة متعفن امپریالیسم دلار بار دیگر بخت مانده شود، این جانوران شاید درک کنند که باید سر جای خود بنشینند. ولی آیا درک خواهند کرد؟ آنها محل تردید است.

بنظر ما رژیم جمهوری اسلامی، باتکاء اظهارات مقامات رسمی آن، متوجه خطر هست. درست است که نباید با ابراز اضطراب در باره خطر ضد انقلاب، محیض هراس و آشفتگی ایجاد کرد، ولی مسلم است که باید گوش بزنگی و هوشیاری عمومی را با دادن آزرهای روشن کننده و بموقع حفظ کرد. کشور ما میتواند و باید ضدانقلاب را تا آخر سرکوب کند. او از امکانات جهانی و داخلی برای اجراء این وظیفه برخوردار است، فقط باید بداند که چگونه امکاناتی است و بطور باید از آن بهره جست.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

آمریکامز دورانش تمام نیروهای خود را علیه ما در مرزها متمرکز کرده اند ضد انقلاب در منطقه متشکل می شود، هشیار باشیم!

* هیئت دولت جدید به نمایندگان معرفی شد
* هادی غفاری: مجلس باید با بررسی وضع گروههای سیاسی، ببیند کدامیک حرف قانونی دارند.

و مسائلی را در این زمینه بیان کرد. پس از آن، با به تصویب هیئت رئیسه، قرار شد که ۴ سخنران بعدی قبل از دستور، مطالب خود را در پایان انجام دستور جلسه مجلس بیان کنند. آنگاه حجت الاسلام رفسنجانی اعلام کرد که آقای رجایی، مسئول آموزش و پرورش، نامه ای در جواب دکتر سبحانی، که علت دولتی شدن مدارس خصوصی را پرسیده بود، به مجلس داده اند.

طبق رای نمایندگان قرار شد که معرفی کابینه مقدم بر مسائل دیگر باشد و جواب سئوالات دکتر سبحانی را مسئول وزارت آموزش و پرورش حضوراً در جلسات بعدی مجلس ارائه دهد. سپس متن نامه آقای رجایی نخست وزیر، درباره معرفی اعضاء کابینه قرائت شد. آنگاه طرح ماده واحده درباره ترمیم خرابیهای جاده ها و پلگه های مهیا شده در غرب کشور، که در جلسات قبل دوفوریتی بودن آن به تصویب رسیده بود، قرائت شد و نمایندگان نظرات خود را درباره آن بیان کردند. از جمله مهندس سبحانی درباره سابقه این طرح در سازمان برنامه و بودجه گفت: «بنازی به طرح جدید نیست. برای وزارت راه

در جلسه دیروز مجلس، اعضاء دولت جدید به نمایندگان معرفی شدند و برنامه دولت جدید نیز تکثیر شد و در اختیار نمایندگان قرار گرفت.

جلسه علنی دیروز مجلس، ساعت ۹:۳۰، با حضور ۱۸۰ نماینده، به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در ابتدای جلسه، هادی غفاری بعنوان ولین نماینده قبل از دستور، درباره لزوم رسیدگی سریع به وضع گروگانهای آمریکائی گفت:

«بر خلاف عده ای که گروگانگیری را هر روز تکیه می کنند و گاهی گاهی چون حرفهایشان ته کشیده و برستیژی می خواهند برای خود کسب کنند، شروع می کنند به نقد و انتقاد و کویدین برادران و خواهران دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و غیره، مردمشدیدا خواستارند که تکلیف این گروگانها روشن شود و این به معنی آزادی آنها نیست... گرچه بعضیها معتقدند اگر این کار روشن شود، آمریکا خیانتی راحت می شود و شروع به انجام کارهای دیگر می کند، ولی باید بگویم مسئله ما با آمریکا حل نمی شود. تا وقتی گلولی آمریکا در سراسر جهان با مشتهای مستعفی خفه نشود، مسئله آمریکا حل شدنی نیست...»

در اینجا حجت الاسلام خلخالی تذکر داد که به جای لفظ «گروگان» از لفظ «جاسوس» استفاده شود. هادی غفاری در ادامه سخنان خود به مسئله بسیج مردم و نقش مسئولان بسیج در اینکار اشاره کرد و گفت: «واقعیت اینست که امروز ایران در برابر خطرهای عظیم قرار دارد. دست نشاندهائی مانند سه ملک (خاند و حسن و حسین)، شیوخ لعنتی خلیج و... آماده حمله می شوند در برابر ما، این آماده گئی همگانی که باید تشکیلات حساب شده و منظمی داشته باشد، باید بوجود آید. ولی کوشش برای تشکیل نیروی مقاومت ملی را خیلی کم می بینم، بطوریکه نمیتواند جامعه ایران را اشباع کند بخصوص بسیج در شهرستانها و منجمله قانسهر ضعیف است... من می گویم باید به بسیج رسید. اگر مسدیرانش نمیتواند اداره کنند، بگویند تا مجلس فکری بکنند...»

وی در پایان سخنان خود ضمن اشاره به مسئله گروههای سیاسی گفت:

«مجلس باید فکری به حال این گروههای سیاسی بکند و بررسی کند که کدامیک از آنها حرف قانونی دارند و کدامیک ندارند...»

محمدصادق حائری، نماینده شیراز، با استفاده از بقیه وقت هادی غفاری، درباره لزوم اعمال شدت عمل در برخورد با کم کاریها و اهمال کاریهای موجود، سخنانی گفت.

سخنران بعدی قبل از دستور، فخرالدین رحیمی، نماینده ملاوی، درباره لزوم بکاربردن سرعت در معرفی کابینه سخن گفت و اشاره کرد که: «خط حاکم بر انقلاب، خطی که به بهای خون شهدا تکیه شده، همان خط امام است.»

وی در پایان به وضع حوزه انتخابیه خود پرداخت



مجلس

عملیات مرمت و بازسازی جاده ها و پاسگاههای مرزی و اعتبار متناسب با آن را بررسی کند و نتیجه را به مجلس شورای اسلامی ارائه دهد.

پس از رای گیری و پیش از آنکه شورای نگهبان نظر خود را درباره این ماده و مطابقت آن با قانون اساسی بیان کند، دکتر زرگر، سومین ناطق جلسه دیروز، درباره وضع نابسامان پزشکی و درمانی کشور سخن گفت و سپس به طرح مجتمع های پزشکی که میتواند با تربیت کادر لازم خدمات گسترده ای ببرد عرضه کند، اشاره کرد و خواستار مطالعه نمایندگان و ارائه نظرات اصلاحی آنان شد.

آخرین ناطق قبل از دستور دیروز مجلس، هاشم حمیدی، نماینده همدان، توجه دولت جدید را به تامین رفاه مردم مستضعف جلب کرد و گفت: «همانطور که امام گفته اند، این مجلس باید امید مستضعفان باشد.»

وی سپس خطاب به مسئولین امور گفت: «مردم می پرسند که در زمینه کار و بیکاری و مسکن تا بحال چه اعمالی انجام داده اند...» هاشم حمیدی در پایان سخنان خود، درباره کمیته «مفتی»هایی که ملک حسن تشکیل داده و سخنانی که این «مفتی»ها گفته اند، گفت: «ملک حسن ها باید این حرفها را بزنند، چرا که آنها برادران شاه و نوکران آمریکا هستند...»

پس از سخنان این نمایندگان، گزارش کمیسیون خارجه در مورد انزام هیئت های جهت رسیدگی به وضع سفارتخانه ها و نمایندگان ایرانی در خارج از کشور توسط حجت الاسلام خانی، مخبر کمیسیون، قرائت شد. در این گزارش از جمله آمده است:

«هیئت به پنج منطقه ای که در آن سفارتخانه های ایران وجود دارند، فرستاده می شوند. هر هیئت متشکل از ۳ نفر بوده که یک نفر نماینده مجلس و ۲ نفر دیگر از افراد خارج از مجلس انتخاب می شوند. در این گزارش سپس نام ۵ تن از نمایندگان بعنوان نمایندگان مجلس در این ۵ هیئت، آمده است. در این گزارش وظایف هیئت ها چنین ذکر شده بود:

- ۱- بررسی عملکرد سفارتخانه ها و نمایندگان ایرانی در خارج از کشور،
- ۲- بررسی وضع و سوابق کله اعضاء آنها،
- ۳- بررسی اموال دولت جمهوری اسلامی ایران در سفارتخانه ها و نمایندگان...»

در پایان جلسه دیروز مجلس، نظریه شورای نگهبان درباره تأیید ماده واحده مصوبه نمایندگان قرائت شد.

در پایان اعلام شد که ساعت ۱۱ امروز صبح، جلسه علنی مجلس برای بررسی جواریه نامه نمایندگان کنگره آمریکا، که توسط کمیسیون امور خارجه مجلس تهیه شده است، تشکیل خواهد شد.

در حاشیه مجلس

ادام کم کاران!

* محمدصادق حائری، نماینده شیراز، ضمن اشاره به محاکمه شدید کم کاران، از جمله گفت:

«باید اینها را با یک محاکمه قاطع، حتی اعدام کرد.»

در اینجا چند تن از نمایندگان به وی اعتراض کردند و گفتند:

«حرف شما شرعی نیست.»

و وی با عصبانیت گفت:

«تضعیف حکومت اسلامی، خیانت به اسلام و

مایوس کردن مردم از انقلاب، شرعی است.»

باره شده ایم.

دکتر سبحانی هنوز معترض است!

* یادمان هست که در زمان دولت موقت، هنگامی که طرح دولتی شدن مدارس خصوصی مطرح شد، دکتر سبحانی از جمله کسانی بود که این طرح را «غیراسلامی» و حتی «کمونستی» خواندند. چندی بعد به بین کنار رفتن دولت موقت و پافشاری مردم و نیروهای انقلابی، بالاخره این طرح به تصویب رسید.

و اکنون بار دیگر در مجلس شورای اسلامی شاهد اعتراض شدید دکتر سبحانی به این طرح و احضار مسئول وزارت آموزش و پرورش جهت توضیح در این باره شده ایم.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و فعالیت وزارت بازرگانی

اهرم بازرگانی خارجی ایران در دست بازرگانان وابسته به بازار امپریالیستی، در دست سرمایه داران حریص و آزمد، بدل به یکی از حربهای جدی علیه انقلاب ایران شده است. از راه بازرگانی - خارجی اختلال جدی در امر تولیدات داخلی و جلوگیری از بهرماندازی صنایع به عمل می آید. از راه بازرگانی خارجی کارکنی وسیع در تدارک و توزیع به موقع کالا و احتکار کالا در داخل کشور صورت می گیرد. از راه بازرگانی خارجی تورم بازار امپریالیستی و گرانی سرمایه و آموختار و دلایل بازی به بازار داخلی و مصرف کنندگان ایرانی تحمیل می شود. وزارت بازرگانی به جای آنکه با قاطعیت به مبارزه علیه این وضع برخیزد و قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را با قاطعیت به اجرا بگذارد و "ملا" در نوبه اول انبهارهای عظیم کالاهای احتکار شده را به روی مردم بگشاید، یکسال ونیم پس از انقلاب، تنها مردم را به ایجاد سه مرکز خرید و توزیع کالا سرگرم نگاه می دارد، مراکز که در نتیجه نهائی زیر تسلط بازرگانان و محتکران خواهد بود.

یکی از دلائلی که نشان می دهد وزارت - بازرگانی به انجام خواست مردم در اجرای ملی کردن بازرگانی خارجی اقدام به محدود ساختن و قطع تسلط سرمایه داران وابسته به امپریالیسم بر بازار ایران نماید ندارد، حفظ اتاق بازرگانی به صورت سابق و حتی دادن اکثریت کرسیهای اتاق به نمایندگان بخش خصوصی است.

اتاق بازرگانی در دوران طاغوت از اهرمهای عمده سلطه بازرگانی و مالی و سیاسی امپریالیسم بر ایران بود. وزارت بازرگانی نه تنها به انحلال این اتاق نپرداخته، بلکه کرسیهای نامهای را به تصویب رسانده، که ۲۳ کرسی از ۴۵ کرسی، یعنی اکثریت را به بازرگانان عمده بخش خصوصی می دهد. با چنین نسائی، که بازرگانان کمرباد در اتاق بازرگانی اکثریت خواهند داشت، وزیر بازرگانی مدعی اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی است!

جالب است که خود مسئولین وزارت بازرگانی هم نهان نمی کنند که، آنها در فعالیت خود جانب بخش خصوصی را گرفته اند، و به قول خود، قانونی که از تصویب گذرانده اند، "چیزی است بین بخش - خصوصی و دولتی!"

وزارتخانه های صنایع و معادن و کشاورزی و امور اقتصادی و دارائی هر یک به موقع خود لویچی را در ملی کردن سرمایه های وابسته صنعتی، بانکی، مالی و کشاورزی از تصویب گذرانده اند. طبق این لویح صد ها کارخانه و بانک و شرکت های خارجی در این زمینه هملی شده اند. معلوم نیست چرا وزارت - بازرگانی دست به چنین اقدامی زده است؟

آیا سرمایه های عظیم تجار وابسته به سرمایه های امپریالیستی و محتکرانی که انبهارهای با سرمایه های میلیاردر تومانی را اختیار دارند، وجود خارجی ندارند، یا اینکه وزارت بازرگانی از پشت عینک مسئولین خود نمی خواهد آنها را ببیند؟

به هر حال، و اقلیت ایست که، سرمایه های عمده کمربادوری تجاری همچنان دست نخورده باقی مانده، و از مواضع این نوع سرمایه، که مریخ ترین و آزمدترین نوع سرمایه است، ضربات جدی به مواضع انقلاب وارد می آید.

می توان در مورد خودداری وزارت بازرگانی و مسئولیت آن در قبال عدم اجرای اصل قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، که مشکلات بسیاری هم برای انقلاب بوجود آورده، مطالب بیشتری گفت و نوشت. لیکن تصویری شود که خود مقامات وزارت بازرگانی، آنجا که به سؤال خبرنگاران در این باره که: چرا کلبه واردات رادر دست نگرفته و اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را به مرحله اجرا نیاورده اند اینطور پاسخ می دهند که، متخصص در اختیار نداشته اند، و "فکر می کردیم اگر همه واردات رادر دست بگیریم و موفق نسویم، با بحران مواجه خواهیم شد" (!) علت اساسی عدم موفقیت در این کار مهم را بیان داشته اند.

آری، علت اساسی اینست که، مسئولین وزارت بازرگانی با تزلزل و عدم اعتماد به اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی می نگرند، و البته از چنین مسئولیتی، توقع آنکه مجری خواسته های انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران باشند، توقعی اضافی است. وزارت بازرگانی و اصولاً دولت انقلاب به مجریانی نیازمند است که به اهداف انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی و به اجرای اصول قانون اساسی اعتقاد راسخ و بدون خدشه داشته باشند.

آن رادر ردیف روزنامه های "حب گرایان خیلی جی" قرار داده اند، اخلاق اسلامی و انقلابی حکم می کرد که ایشان لااقل اعتراف کنند که اولین روزنامه ای که ضرورت اجرای فوری اصل ملی شدن بازرگانی خارجی را خاطرنشان ساخت و آنرا هم - چنان بایگیری دنبال می کند، "نامه مردم" بوده است. که دقیقاً متوجه است که اجرای این اصل، از نظر تثبیت پیروزیهای انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی و خنثی ساختن و خشکانیدن ریشه های ضد انقلاب در داخل و تحریکات امپریالیسم از خارج، اهمیت فوق العاده و درجه اول دارد.

بالاخره جهت آخرو عمده های که در ارتباط با اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین وی در مورد اعلام آمادگی برای اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی تذکر آن لازم است، این واقعیت است که، در این امر مهم و حیاتی، اقدام ضرور صورت گرفته و آقای وزیر و معاونین ایشان، یکسال ونیم پس از پیروزی انقلاب، تنها وعده اجرای قانون را داده اند و نه خیر اجرای آن را!

قانون ملی کردن بازرگانی خارجی کار است که، در صورت اعتقاد مسئولین وزارت بازرگانی به آن، می توانست حداقل بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شود. به خاطر آوری که در همان هفته های اول پس از تصویب قانون اساسی، رئیس جمهوری به ضرورت اجرای سریع قانون ملی کردن بازرگانی خارجی اشاره کرد.

به دست گرفتن امپریالیسم خارجی بوسیله دولت، آنهم با سوابقی که انحصار وزارت خارجی در کشور مادر دست دولت داشته، و تجربیاتی که در اختیار این وزارتخانه بوده، از نظر تدوین اساسنامه و آئین نامه، کاری نبوده که محتاج وقت طولانی باشد. به علاوه، از آنجا که منافع ارزی و واردات از خارج را بطور عمده درآمد نفت تشکیل می دهد و این درآمد متعلق به دولت است، اجرای اصل ملی شدن بازرگانی خارجی در کشور ما از تسهیلات به مراتب بیشتری برخوردار بوده است. کافی بود دولت ارزی را که برای خرید کالاهای بازرگانی از خارج، به بازرگانان می دهد، خود مستقیماً به خرید این کالاهای اختصاص دهد.

وزارت بازرگانی تجربه استفاده از معاملات مستقیم در بازرگانی و معامله از طریق شرکت های دولتی را در اختیار داشته، که می توانسته و باید از این تجربیات استفاده می کرد.

با وجود چنین امکانات و سوابقی، چنانکه مسئولین وزارت بازرگانی در گزارش خود اظهار می دارند، تا همین بریروز جز واردات گندم، برنج، گوشت، قند، شکر و روغن نباتی، که در گذشته نیز در انحصار دولت بوده، خرید کالای دیگری را بدست نگرفته اند. تنها از امروز به بعد است که وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای بدست گرفتن خرید و ورود به نوع کالا - فلزات، کاغذ و حوب و منسوجات و الیاف اعلام می دارد، که به گفته آقای وزیر، شامل ۳۰ درصد واردات می گردد. اما حتی واردات همین ۳۰ درصد طبق تصمیم وزارت بازرگانی عملاً بهر حال سابق و در دست خریداران خصوصی متمرکز خواهد بود. تنها فرقی که اجرای تصمیم با گذشته پیدا می کند، اینست که، خریداران قبل از مراجعه به بانک برای باز کردن اعتبار خرید کالا، باید از مراکز سه گانه فاکتورهای را که، مهر این مراکز را دارند، دریافت دارند، و در این مراکز ثبت نام کنند. از نظر وزارت بازرگانی، ایجاد این سه مرکز و اختصاص عمارت ۳۲ طبقه به مرکز تجارت، یعنی ملی کردن بازرگانی خارجی! متأسفانه اظهارات وزیر بازرگانی و معاونین ایشان در باره تهیه مقدمات اجرای قانون بازرگانی خارجی بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد، تا جنبه انجام یک امر بسیار مهم و فوق العاده از نظر انقلاب.

مسئولین وزارت بازرگانی تذکر دهیم که، نه تنها - توده ایران، بلکه همه نیروهای انقلابی، از دانشجویان مسلمان بیرو خط امام و مراجع مذهبی عالیه فقه، تا سازمانهای وسیع توده ای، مانند انجمن ها و سورا های اسلامی و مطبوعات منعکس کننده نظریات و خواسته های آنان، اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی را خواستار بوده و هستند. ولی مقامات وزارت بازرگانی در مصاحبه خود، به خواست این سازمانها دایر به جانبداری از اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی به هیچوجه اشاره نکرده اند. نکنند، بزعم آنها، "ملا" حزب جمهوری اسلامی و دانشجویان مسلمان بیرو خط امام نیز، که از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی جانبداری کرده و می کنند، جز "حب گرایان خیلی جی" هستند!

ظاهراً "نام مردم" از آنها به صلاح و صرفاً قاپان نیست که، با معرفی حزب توده ایران، به عنوان تنها حزب طرفدار اجرای قانون ملی کردن بازرگانی، بشیوه خاص خود می کوشند منافع سرمایه داران وابسته و مواضع آنان رادر امر مهمی مانند بازرگانی خارجی دست نخورده باقی گذارند.

جهت دومی که در مصاحبه وزیر بازرگانی و معاونین او جلب نظری کند و دلیل روشنی بر عدم علاقه و لاف حرکت لاکستی این وزارتخانه در اجرای اصل ملی شدن بازرگانی خارجی است، تا خیر غیر قابل توجیهی است که در انجام این کار، از جانب مسئولین وزارت بازرگانی به عمل آمده است. در مورد اخیر، قبل از همه باید متذکر شویم که، حواست ملی کردن بازرگانی خارجی، در همان بحبوجه تدارک و تکوین و پیروزی انقلاب ضد - امپریالیستی و خلقی مردم ایران مطرح گردید. این خواست ما به آنجا قاطع بود و عمومیت داشت که، در طرح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که در نیمه اول سال ۱۳۵۸ به بحث مجلس خبرگان گذاشته شد، با وضوح تمام گنجانیده شد. بالاخره لایحه قانون اساسی در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ از تصویب نهائی مجلس خبرگان گذشت و رفرا دوم عمل آن را تأیید کرد.

از آنچه گفتیم روس می شود که، تدارک اجرای قانون ملی کردن بازرگانی خارجی باید از همان روز سکیل دولت، موقت و آغاز به کار وزیر بازرگانی، یعنی از اسفند ۱۳۵۷ باید مورد توجه قرار می گرفت. اما آقای صدر وزیر بازرگانی، در مصاحبه خودشان رسماً اعلام می دارند که، تنها در اواخر تیرماه ۱۳۵۹، یعنی ۱۶ ماه پس از انقلاب، اساسنامه و آئین نامه های اجرای این قانون راتهمیه و به تصویب رسانیده اند!

به دیگر سخن، وزارت بازرگانی برای تدوین اساسنامه و آئین نامه اجرائی قانون ملی کردن بازرگانی خارجی، از اول انقلاب تا به حال ۱۸ ماه، و از تاریخ تصویب نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی تا به حال، نزدیک به دو ماه وقت صرف کرده اند، و تازه چنانکه خود می گویند، مقدمات اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را فراهم آورده اند و نه اجرای آن را!

بسیار قابل توجه است که وزارت بازرگانی، ماهها پس از انقلاب، اصولاً موضوع تصویب اصل ملی کردن بازرگانی خارجی را مسکوت گذاشته بود. تنها پس از توجه محافل وسیع اجتماعی بر ضرورت این امر بود که، وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای پذیرش این اصل در اردیبهشت ماه اعلام کرد، و چنانکه می بینیم، آمادگی آن وزارتخانه برای اجرای اصل ملی شدن، درست در لحظه ای که دولت باید جای خود را به کابینه جدید بدهد، اعلام می شود! اینطور به نظری می آید که، اگر ضرورت تشکیل کابینه جدید در میان نبود، هنوز هم وزارت بازرگانی آمادگی خود را برای اجرای قانون اعلام نمی کرد.

ضمناً از آنجا که وزیر بازرگانی و معاونین وی نسبت به "نامه مردم" ابراز "لطف" فرموده،

در میان اطلاعاتی که وزراء قبل از پایان عمر دولتی که ابتدا به کابینه "کام به کام" معروف بود و سپس به زیر سایه شورای انقلاب خزید، می دهند، گزارش وزارت بازرگانی از چند جهت جالب است. جهت اول اینست که، مسئولین این وزارتخانه،

با آنکه بوزش می طلبند از اینکه در زمینه یکی از عمده ترین مسائل ملکتی، یعنی اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، کارشان "یک مقداری (!)" طول کشیده و نتایج انجام کارهای اصولی و زیر بنائی برای ملی کردن تجارت خارجی "موفق شده اند (بعداً) خواهیم دید تا چه اندازه (معدل) کرده اند

ابتدای گزارش خود سازمان های به قول خود "حسی" را مورد حمله قرار داده اند. ملل در همان ابتدای مصاحبه، وزیر بازرگانی و معاونین وی عنوان نده است که، یکی از عللی که آنها سوانسده اند و طبق قانونی خود رادر اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی انجام دهند، و بی مشکل "حمله ح گرایان خیلی جی" بوده است:

ضمناً جالب است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، به عنوان همین "حمله حب - گرایان خیلی جی" مورد استناد مقامات وزارت بازرگانی قرار گرفته است!

"نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، موضع کاملاً مسخ و ساخته شده ای دارد. این روزنامه از مدافعین قاطع، راسین و رزمندگان انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی است. تا به حال هیچ ارگان رسمی و غیر رسمی جمهوری اسلامی از "نامه مردم" به عنوان "حب گرایان خیلی جی" نام برده اند. دلیل آن نیز آسکار است. آنان که به انقلاب صادق اند و تحقق هدفهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب رادر نظر دارند، به درسی متوجهند که، گرچه حزب توده ایران و ارگان آن از نظر ایدئولوژی مورد ستندسان نیست، ولی واقعیت اینست که "نامه مردم" را به "حب گرایان خیلی جی"، یعنی در واقع حب - نمایان، که مفهوم سیاسی خاصی دارد و در شرایط کنونی انقلاب عملاً بخشی از ضد انقلاب را شامل می شود، نمی توان منسوب دانست. انصاف بانداده که "نامه مردم" را به همان نام و موضع خود ساخته و می شناسند، و ما امیدواریم که این شناسائی کافی باشد در جهت تحقق ایجاد جبهه متحد همه نیروهای سیاسی مؤمن به انقلاب در مبارزه علیه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب دست برورده اس.

با اینجام معلوم است که "نامه مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را نمی توان با هیچ برحسی به "حب گرایان خیلی جی" متهم دانست اگر مقامات وزارت بازرگانی به ایراد حسین اشعاری به "نامه مردم" مبادرت ورزند، قطعاً باید ریگی در کفس خود آنان باشد و قاعداً آنان هستند که به در موضع انقلاب، بلکه در موضع همان "راس گرایان خیلی راست" قرار دارند، که از فرط وحشت از اجرای قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، جا رهای نمی بینند جز اینکه زیر پرچم حمله به نیروهای - اصل جب، از اجرای اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، که اصلی سبب مهم و سرنوشت ساز برای انقلاب و جمهوری اسلامی است، جلوگیری به عمل آورند.

مقامات وزارت بازرگانی اعتراض "بازاریبا" و با دقتیفر گفته بود، بورروازی بزرگ تجاری (کمربادوری) را، که از اوایل قرن برنجارت خارجی و داخلی، جنگ انداخته اند، به موضع حرب بوده ایران - در دفاع از اصل ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد شبکه توزیع دولتی - وسیله تیرنه امداد خود در خودداری از اجرای سریع اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر کرده اند. ولی این استدلال بجای آنکه آنان را سربزه کند، به وضوح درستی مشی حزب توده ایران را نشان می دهد که، در یک مسئله اصولی و اساسی، نه در موضع "حب - گرایان خیلی جی"، بلکه در موضع دفاع از قانون اساسی جمهوری اسلامی و اجرای خواست بوده مردم در باریان دادن به اینهمه هرج و مرج ضد انقلابی در امر مهم بازرگانی خارجی و داخلی قرار دارد. توجه داشته باشیم که، خودداری وزارت بازرگانی از اجرای سریع اصل ملی کردن بازرگانی خارجی، دلیل عمده بیدایش احتکار، گرانی و تورم سرمایه آوری است که معیشت عمومی را مختل ساخته و عدم رضایت جدی به وجود آورده است.

در باریان همین قسمت، به خاطر اینکه از ذکر مواضع درست نیروهای دیگر در مسئله بازرگانی خارجی خودداری نکرده باشیم، لازمست که به

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

اخراج کارگران: سلاح کارفرما در مبارزه با انقلاب

چند نمونه گویا از عملکرد کارفرمایان:

کارفرمای شرکت چکش (شیراز) به بهانه پایین آمدن تولید، عده ای از کارگران را اخراج کرد. کارگران اخراجی حداقل یک سال سابقه کار داشتند و بیمه نیز بودند.

کارفرمای کوره آجرپزی حسینی (جاده قصاب خانه شیراز) کارگری را که ۱۶ سال سابقه کارداشت از مدت‌ها پیش اخراج کرده است. کارگر مذکور با ۱۴ ساعت کار روزانه، مبلغ چهارصد ریال دستمزد می‌گرفت. وی به علت اعتراض به شرایط نامساعد کار اخراج شده و مبلغ چهارده هزار تومان از کارفرما طلب دارد. کارفرما حاضر به پرداخت طلب این کارگرنیز نیست.

یکی از کارگران شرکت کارسانی لاندا (شیراز) پس از اعراس سبب به عدم برخورداری کارگران این شرکت از مزایای قانونی، اخراج شد. در این شرکت کارفرما بجای لیست سی روز حقوق کارگران، لیست مربوط به ۵ روز کار آنان را به بیمه تحویل می‌دهد!

در شرکت موبیل (شیراز) سازنده لوازم و وسایل بهداشتی کارگران بی‌هیچ بهانه‌ای اخراج می‌شوند. کارگری که پس از دو سال کار در این شرکت، اخیراً اخراج شده است، می‌گوید:

"دو سال کار کردم و در تمام این مدت از دستمزد حق بیمه گسرمی‌کردند، ولی فقط شش ماه آخر بیمه بودم! فقط سه ماه حق اولاد گرفتم. بالاخره بی‌دلیل اخراج کردند و هیچ حق و حقوقی هم ندادند."

در معدن نمک تیبون (روستای تیبون، شیراز) نزدیک پل فسا) ۱۵ کارگر، که کار ساختمانی این معدن را برعهده داشتند، اخراج شدند. بیشتر این کارگران از یکسال پیش در این معدن کار می‌کردند. کارفرما به آنان قول داده بود آنان را بیمه کند. کارگران روزانه ششصد ریال دستمزد می‌گرفتند.

کارفرمای شرکت ساختمانی موبیل (شیراز) کلیه کارگران این شرکت را اخراج کرده است. تعداد این کارگران سی نفر است و همگی بیمه‌اند.

۶ تن از کارگران آهن فروشی قربان اسلامی (شیراز)، بعلت تلاش برای بیمه شدن از طرف کارفرما اخراج شدند.

کارگران اخراجی هریک حدود ۶ سال سابقه کار دارند و در این مدت از هرگونه مزایای قانونی محروم بودند. کارفرما در مواقعی که مأمور بیمه به کارگاه مراجعه می‌کرد، کارگران را بزور از محیط کار دور می‌کرد، تاجلو بیمه شدن آنان را بگریزد. آنان از چندماه پیش درصد درآمد خود را بیمه کنند و برابر پیگیری در این خواست خود، با غضب کارفرما مواجه شدند!

در یکی از کارگاه‌های قندریزی بلوارسیمان (جاده شیراز - بوشهر) نیز کارگری درست به همین دلیل اخراج شده است. وی نیز ۶ سال سابقه کار دارد و در کارگاه قندسازی محمود کار می‌کرده است. کارفرما هر بار با آمدن مأمور بیمه (که هر سه ماه به کارگاه مراجعه می‌کند)، کارگران را مجبور می‌کند تا خود را از مأمور بیمه پنهان کنند. چندی قبل کارگری خود را به مأمور بیمه معرفی می‌کند و این ماجرابه جرمیده شدن کارفرما منجر می‌شود. کارفرما در مقام تلانی، کارگر را اخراج می‌کند! کارفرما مدعی شده است که این کارگر برای او کار نمی‌کرده و در عین حال با ارباب مانع از گواهی دیگران می‌شود.

نمونه‌هایی که ذکر شد بمصدق "مشت نمونه خروار"، تنها بخش بسیار ناچیزی از ستمی است که بر کارگران ما و تنها در یک منطقه اعمال می‌شود. این ستم همچنان چون بار سنگینی بر کرده ستون فقرات انقلاب، یعنی کارگران سنگینی می‌کند. در نخستین برخورد با موارد هولناکی از قبیل آنچه که برشمردیم، تصویر "معدن بزرگ آریامهری" را در برابر ما پدیدار می‌شود. در جامعه‌ای که رژیم خونخوار سابق به ورطه غم انگیز فقر و نابسامانی سوق داد، آنچه که ابتدا مطرح نبود، حقوق حقه زحمتکش بود. بهشت "آریامهری"! دوزخی بود که همگان در آتش زور و غارت امپریالیستها و غارتگران داخلی می‌سوختند و کارگران خائن امپریالیسم، آیدای شیطان بزرگ، ادعا می‌کردند: در ایران اختلاف طبقاتی وجود ندارد و هیچ حقی از هیچ فردی ضایع نمی‌شود!

بنای یوسیده‌ای که بر فرب و زور و چپاول استوار بود، البته نمی‌توانست دوامی داشته باشد. و در طوفان تاریخی جنبش عظیم مردم ایران وبا پیروزی انقلاب یکسر فرو ریخت. مظهر ستم سرنگون شد و انقلاب محو ستم را از زبان میلیون‌ها ایرانی بشارت داد.

متأسفانه با سلطه مشی "گام به گام"، که مضمون حرکت دولت موقت پیشین را پس از انقلاب تشکیل می‌داد، کاری آنچنان که انقلاب می‌طلبید مردم ما فریاد می‌کردند، صورت نگرفت. دست اندرکاران دولت موقت قوانین طاغوتی را، آنچه که توانستند، راهنمای عمل خویش قرار دادند و در هرحال از تحولات بنیادی بسود زحمتکش حتی المقدور جلوگیری کردند. و چنین شد که قانون کار طاغوتی، که آئینه تمام نمای ستم طبقاتی بر طبقه کارگران ایران بود، علیرغم همه اعتراض‌ها و هرجند که انقلاب از آن کوخ نشینان بود، بقوت خود باقی ماند.

کارفرمایان بتدریج و یکبار دیگر سراز استان ودست از استین بدر آوردند. آنان که خود به هزاران بهانه و تمهید نهادهای تولیدی را به ورشکستگی سوق داده بودند، وضع نابسامان موجود را بهانه کردند و با خرابکاری در تولید و بمنظور تشدید ناراضی‌ها، از جمله دست به اخراج گسترده کارگران زدند. بیکاری زمین شد،

ارتش بیکاران از مرز میلیون نیز گذشت. آخر مگر نه این که قانون کار بقوت خود باقی بود؟ و چه باک اگر از همین قانون و بدلیل کاملاً قانونی (۱) اخراج کارگران همچون تبعی برنده در جنگل حریص کارفرمایان روا بود و در خدمت منافع آنان سلاحی برا و کارآ؟ اما با گذشت زمان، انقلاب آرام نگرفت و در بهینه اجنماع دست به تعرض زد. مبارزه علیه شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا، این ام الفساد، قرن شدت یافت و انقلاب با رهبری قاطع امام خمینی بر وابستگان ریز و درشت امپریالیسم، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و زمین‌داران کلان هجوم برد.

در این حرکت دوران ساز، توده‌های زحمتکش هوای تازه‌ای را استشام کردند و گام به گامی‌ها پای در گل بکناری خریدند. با کنار رفتن بسیاری از موانع، درسپاری از شتون اجتماع گام‌های مثبتی بسود توده‌های محروم ومستضعف برداشته شد، و از جمله، تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط می‌شد، دستمزدها اندکی افزایش یافت و دست بسیاری از کارفرمایان از دایره تولید کوتاه شد. امپریالیسم آمریکا به تعرضی دیگر روی آورد و علاوه بر تجاوز و تهدید نظامی، طرح محاصره اقتصادی خود را برای خفه کردن انقلاب ما به اجرا گذاشت. امروز کمتر کسی می‌تواند منکر این واقعیت باشد که طبقه کارگر قهرمان انقلابی ایران، باتمام وجود و بگونه‌ای موثر و چشم‌گیر، با تحمل اشد شداوند و سنگین‌ترین محرومیت‌ها، در مقام خنثی کردن این توطئه، از همه امکانات خویش سوجدست و بکار برداخت.

این همه فداکاری در شرایطی صورت گرفت که متأسفانه بدلیلی چند، و از جمله نایبگیری‌ها و ندانم‌کاری‌ها از سویی و رخنه عناصر سازشکار و غیرانقلابی و حتی ضدانقلابی از سوی دیگر، مانع می‌شدند تا حقوق طبیعی زحمتکش در ضوابط قانونی تثبیت شود. درست به همین دلایل، حتی ماده ۳۳ قانون کار سابق، که شاه بیت رجزخوانی کارفرمایان بود، همچنان حفظ شد و متأسفانه حتی وزیر کار و امور اجتماعی نیز در مقام تأیید آن برآمد.

هرجا کارفرما در خود سوری‌ها و اجحاف‌های بیش از اندازه خود رودر روی کارگران قرار می‌گرفت، با همین شمشیر بر فرق آنان فرود می‌آورد: اخراج! کارگران حتی موافق همان قانون کار، که حافظ منافع کارفرمایان رژیم آریامهری بود، مزایایی داشتند و در بیشتر موارد البته روی کاغذ. اما هر صدایی که این مزایا را سراع می‌گرفت، بزواک اخراج را از بس خود داشت. و سردراز این رشته، درازتر شد و درازتر شد.

این کارنامه بخشی از آهنکی بود که ارکستر هماهنگ مسئولین در دیگر امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور می‌سرود. و این تصنیف آنچنان ناموزون و بدآهنگ بود که، رهبران انقلاب ناچار سکوت برمنای خود را شکست و فریادهای بر درد خود را سرداد: مقام‌های مسئول انقلابی نبودند

و درد مردم هر لحظه که می‌گذشت انبوه‌تر میشد. . . زحمتکش محروم کمترین سهم خود را می‌خواستند و می‌خواستند. آنان ناگزیرند برای نوسازی اقتصاد کشور هر چه کوشا تر باشند و این وظیفه را با جان و دل به انجام می‌رسانند. لازمه این حرکت زنده ماندن و زندگی کردن و بحساب آمدن است. آنان چاره‌ای جز دفع گرسنگی، طرد مرض و شکوفای کردن محیط خانواده و کار خود ندارند و این همه جز با تعیین ضوابط حداقلی بسود کارگران انجام شدنی نیست.

تاریخ همه انقلاب‌ها از پیش گواهی میدهد که در درجه اول، برای حفظ و تحکیم خود انقلاب، عنایت به رنجبران در حکم الفیاست. اگر شالوده را محکم نیزیم، از استواری بنای آینده خبری نیست.

بدیهی است انقلاب ما که یک چشم عمیق خلقی است، نمی‌تواند از زیر این بار سانه‌خالی کند و در عین حال حرکت خود را ادامه دهد و راه بجلو بگشاید.

اکنون نهادهای قانونی انقلاب کمابیس استقرار یافته‌اند. آنچه تاکنون گذشته، تابلو هشدار دهنده و بنداآموزیست. آزموده را آزمودن خطاست. نگذاریم لحظه فوت شوند، بی‌آنکه مراد حاصل آید. دولت انقلابی که از مشت میلیون‌ها انقلابی درسراسر کشور توان می‌گیرد، می‌تواند و باید برخیزد سری کارفرمایان فائق آید، طومار سنگ نوشته‌های عهد عتیق را در هم نوردد، نظم و قانونی نو و خلقی را جایگزین یوسیدگی‌های پیشین کند، و در این راه دست همه به همراهد اوست.

دولت انقلاب تنها نیست. زحمتکش در هر گام‌مندی که مسئولین جمهوری نوای ما بردارند، آنان را با بیگیری و بطور جدی حمایت خواهند کرد. مجامع صنفی زحمتکش و سازمانهای انقلابی آنان نیز آنچه دارند در طبق اخلاص خواهند گذاشت، و چنانکه تاکنون کرده‌اند، از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.

طبقه کارگر ایران از نظام انقلابی نوقع بجایی دارد: قوانین و عملکرد انقلابی قانون کار نیز در این راستا باید از بیریه‌های طاغوتی پاک شود و بر مبنای حفظ و گسترش حقوق و مزایای راستین، که ارضای نیازهای واقعی کارگران را بر ذمه دارند، شکل گیرد.

تردید نباید کرد که درنگ بسود انقلاب نبود، بسود انقلاب نیست و نخواهد بود. در این راه - تکرار کنیم - از سازمان‌های صنفی زحمتکش و در راس همه از اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری می‌توان و باید کمک گرفت. فراموش نکنیم که قوانین موضوعه، که حقوق اقشار مختلف مردم ما را در خود جای می‌دهند، باید شاخص عظم بعد عمیقاً ضد امپریالیستی و خلفی انقلاب ما باشند، لا غیر.

بدین ترتیب مه‌ها کا رگرسا ختما نسی در زیر آوا رسا ختما نهی نیمه تسام می‌ماندند، مه‌ها کا رگرسا ختما کشر در معان مختلف ایران، در حال شکافتن دل کوه برای استخراج گرانیه‌ها تریشن منابع طبیعی، در سوانح متعددنایی از کار جان خود را از دست میدادند، درکارخانه‌ها نیز سوانح کارفرما وان بود و غالباً به غلیل شدن ویا مرگ کارگران منسجسر می‌گردید. اعمال چنین سیاستی از چنان رژیمی، با لطمع نمی‌توانست تعجب آور باشد.

ولی پس از انقلاب، کارگران زحمت کشان به حق انتظار ردا رند که در زمینه ایمنی کار رنیز تصمیمات فوری و جسدی اتخاذ کردد. باید با اقدامات جسدی و تعقیب دلائل بروز چنین حوادثی، از بروز احتمالی حوادث مشابه، با پیشگیری لازم، جلوگیری به عمل آورد. کارگاه‌ها و انبارها باید مکان مطمئن و ایمن برای زحمتکش و ساکنین اطراف آن باشند. کارگران و زحمتکشان کشور ما باید با احساس امنیت کامل به کار رتی تولید ادامه دهند، زیرا جان هر انسانی که در اثر حوادث ناشی از کار از دست می‌رود، ثروتی است بیکران، که تاوان آن قسابل پرداخت نیست.

وقت آنست که با برخورد و انقلابی، زحمتکشان را در مرکز ثقل تصمیمات و قوانین خود قرار دهیم. باید در قانون جدیدکا مواد مشخص و روشنی برای تاهمین ایمنی کار رکنجا ندودر عمل بیا ه کرد.

کارگران صنایع شیمیائی پرسپه لیس شیراز خواهان رسیدگی به مشکلاتشان هستند

در اواسط مرداد، شورای صنایع شیمیائی پرسپه لیس قطع نامه‌ای صادر کرد. در این قطعنامه بعد از اشاره به انقلاب صدامپریالیستی و خلقی ایران و تشکیل شورای کارخانه و سنگ اندازی عوامل دست‌نشانده کارفرمایان، مسئله عنوان شده است که بانک ملی شعبه سعید تهران، مقدار هرع میلیون تومان به‌طور غیر قانونی از حساب شرکت برداشته و به آلمان فرستاده است و هنگامی که مسئولین شرکت با اعتراض کارگران و کارمندان مواجه شدند، کار خود را این‌طور توجیه کردند که، این عمل باعث حفظ حیثیت و آبروی ایران در جهان میشود! کارگران در مقابل گفتند: در شرایطی که غرب حدود ۱۶ میلیارد دلار از ذخائر ارزی ایران را بلوکه کرده است، چرا بانک به این عمل ضد ملی دست زده است؟ در همین‌چین دولت ایران نیز مبلغ ۴۰ میلیون تومان به سپاهدار قبلی وام پرداخت کرده است.

- دو تن از سهامداران قبلی این کارخانه اکنون عضو هیئت موسسین بانک اسلامی و نه‌ایند وزارت بازرگانی هستند.
- ۱- باکساز و مجازات افراد ناصالح،
 - ۲- ملی شدن واقعی کارخانه.
 - ۳- لغو ماده ۳۳ قانون کار.
 - ۴- لغو کلیه قراردادهای امپریالیستی و قطع وابستگی به کشورهای امپریالیستی.

حادثه اسفبار انبار باروت در گچساران، ضرورت ایجاد شرایط ایمنی در محیط کار را باز ترمی کند

در ۲۲ مرداد، حادثه اسفبار انفجار انبار باروت در گچساران روی داد، که به دنبال آن بیش از صد نفر از مینرفرا هم میهنان ما - ساکنین ده بزرگانه - به شکل فجیعایی کشته شدند. این حادثه بدون شک تیر عمیق و تراء سف آوری بر انسان میگذارد. ولی حادثه غم‌انگیز انفجار انبار باروت در گچساران اولین حادثه اینست که در اثر بی احتیاطی و یا فقدان وسائل ایمنی و حفاظت محیط کار روی داده‌با شد. متأسفانه تا وضع چنین است، آخرین آن هم نخواهد بود.

باکمال تاء سف با یداعان کرد که در کشور ما، به علت عدم وجود وسائل ایمنی کار ویا عدم درک به‌کار بردن اسلوب صحیح انبار ردا ری و جلوگیری از بروز خطر احتمالاً، هر ساله جان دهها انسان زحمتکش، به عنای وین و اشکال مختلف، در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت و میگردد. نگاهی کوتاه به آما رسوا نسی ناشی از کار در زمان شاه سابق نشان می‌دهد که، هر ساله گروه کثیری از کارگران در اثر فقدان شرایط ایمنی کار، اعضای بدن و یا حتی جان خود را از دست می‌دادند.



بکار انداختن فیلتر تصفیه کارخانه سیمان کرمان امری ضروری است

کارخانه سیمان کرمان در ۱۲ کیلومتری این شهر واقع است. ظرفیت تولیدی این کارخانه ۳۶۰۰ تن سیمان در روز است، که از ۳ واحد تولیدی ۳۰۰ و ۱۰۰۰ و ۲۳۰۰ تنی بدست می‌آید. هم اکنون واحد اول این کارخانه خراب است و تنها دو واحد به ظرفیت ۳۳۰۰ تن کار می‌کند. آنچه که قابل ذکر است، وجود گرد آهک ناشی از کار این کارخانه است. به گفته اهالی روستاهای اطراف، این گرد باعث بیماری اهالی دهات مجاور و همچنین آسیب رساندن به محصولات آنها و مخصوصاً محصول پسته می‌شود، زیرا اغلب اوقات الکتروفیلترهای این کارخانه خراب است و یا کار نمی‌کند، کما اینکه هم اکنون الکتروفیلتر واحد ۱۰۰۰ تنی از کار افتاده است. باید توجه داشت که گرد سیمان حاصل از کار این کارخانه، تنها مردم روستاهای مجاور را دچار بیماری نمی‌کند، بلکه مردم شهر کرمان نیز - چنانچه فیلترهای تصفیه کار نکنند - از ابتلاء به بیماری مصون نخواهند بود. از آنجا که قیمت سیمان نسبت به گذشته افزایش پیدا کرده است، و درآمد بیشتری را نصیب سهامداران این کارخانه می‌کند، لازم است که در مورد بکار انداختن فیلترهای تصفیه این کارخانه اقدام شود، تا از بروز بیماری‌های ناشی از گرد سیمان جلوگیری بعمل آید.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکالی) ضرورت انقلاب ایران است

روستای قنات ملک در انتظار هیئت هفت نفری



روستای قنات ملک - در این روستا هنوز استعمار بر اساس مناصف حاکم است

گذری به روستا

روستای قنات ملک، در منطقه بیوانات، دره ۲۰ کیلومتری شیراز قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۶۰ خانوار است. منازل روستاییان خشتی است و در برابر حواصت جوی مقاوم نیست. در این روستا هنوز باغهای فشو - دالیم استوار و زمینها در اختیار مالکان بزرگ است. فعالیت کشاورزی در این روستا دوتنوع است:

- ۱- گندمکاری و کشت جو و عدس و ...
- ۲- باغداری (سیب و انگور).

کل زمینهای این روستا در اختیار سه برادر است. از سمت خانوار ساکن این روستا، فقط حدود ۱۵ خانوار به صورت سهمبری بر روی زمینهای مالکی کار میکنند (۳۵ خانوار). خوش نشین هستند و بقیه اهالی در شهرها به کارگری مشغولند. تا قبل از پیروزی انقلاب، سلطه مالکان بزرگ بطور کامل بر روستا حاکم بود و رعیتها با پیدایش روزبروری زمینهای مالکان بزرگ کار میکردند و محصول را به مالک میدادند. مالکان بزرگ با استفاده از زور و تهدید و تحمیل دهقانان را همواره زیر فشار قرار میدادند و اجاره هیچگونه اعتراض و شکاری را به آنها نمیدادند.

بعد از پیروزی انقلاب، دهقانان به تدریج با فعالیتها و مبارزات پیگیر خود توانستند تقسیم محصول را به نصف به نصف برسانند، ولی هنوز زمینها را نتوانستند تقسیم کنند.

دهقانان میگویند: "ما منتظر اقدامات هیئت ۷ نفری هستیم. ما پیرو قانون هستیم و هر چه قانون بگوید به آن گردن میزنیم." بعد از مسئله زمین، مهمترین مسئله

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

بدینال درج اخبار دهقانی مربوط به کمیوها و نقایص روستاهای استان زنجان در زمینه آب و مدرسه، اخیرا نامه شماره ۱۱۲ مورخ ۱۳۵۹/۵/۱۳، توسط آقای هادی عطاری، رئیس اداره ارشاد ملی استان زنجان، به همراه سه برگ فتوکپی نامه ای از سازمان آب و برق منطقه ای شمال و دونا به اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان، به دفتر نامه "مردم" ارسال شده است، که عینا نقل می‌گردد:

"عطف به شماره ۹۵-۵۹/۴/۵ استحضار میرساند که، در تسکيلات وزارت آموزش و پرورش، در مناطقی که از نظر تقسیمات کشوری به عنوان مرکز بخش شناخته میشوند، میتوان تسکيلات اداري مستقل ایجاد نمود، کما اینکه در سلطانيه، که بعنوان مرکز بخش حومه شهرستان ابهر می باشد، تسکيلات مستقل آموزش و پرورش وجود دارد، ولی چون خرمدره از نظر تقسیمات کشوری مرکز بخش نبوده و یکی از روستاهای تابعه شهرستان ابهر می باشد، علیهذا تا زمانی که از طرف وزارت کشور در این مورد اقدامی به عمل نیاید، ایجاد تسکيلات مستقل اداره آموزش و پرورش در محل امکان ندارد."

"بازگشت به شماره ۹۵۲-۵۹/۴/۵، در خصوص خواست مردم روستای یوسف آباد که ارتباط با این اداره کل دارد، قبلا اقدام و احداث یک باب مدرسه ۵ کلاسه در ردیف ۲۲ طرح مدارس ابتدائی اعتبارات خاص ناحیه ای سال ۵۹ پیش بینی و کمیته مشترک برنامه ریزی استان پیشنهاد گردیده، که پس از تصویب و مبادله موافقتنامه، که در دست اقدام است، اجرا خواهد شد."

"عطف به نامه شماره ۹۵۴ مورخ ۵۹/۴/۵ و پیوست آن در مورد تأمین آب مزروعی مندرج در بند ۱ روزنامه مردم، به اطلاع میرساند امور آب زنجان در سال جاری با تحویل و تأمین کلیه نیازمندیهای مالی و اداری آن از طرف سازمان آب و برق شمال در حال احیاء و بازسازی خود بوده و ضمن تکمیل پرسنل، کلیه تقاضاهای صدور پروانه حفرو بهره برداری چاه در منطقه دیزج را رسیدگی و اقدام می نماید، و در صورت وصول تقاضاهای تأمین آب مزروعی بی گیری خواهد نمود."

نامه مردم - ضمن تشکر از پاسخ مسئولین، امید است که با حل مسائل دیگر روستائیان این ناحیه، شرایط مساعد کار و زندگی برای آنان فراهم آید، تا مجدداً در امر حیاتی تولید کوسا باسد.

مشکل آب در روستاهای یزد حل کنید

در تاریخ ۵۹/۴/۱۸، عده کنیری از دهقانان شوروک، یکی از دهات یزد، برای پنجمین بار طی سه ماه گذشته، در محل استانداری جمع و خواستار رسیدگی به وضع و مشکلاتشان شدند.

دهقانان شوروک چندی قبل، پس از ۲۴ ساعت تحصن در محل استانداری، قولی مبنی بر رسیدگی به مشکلات خودتان گرفتند و آجرائترک کردند. ولی از آنجا که به خواستههایشان توجهی نشده بود، مکرراً دست به تجمع زده و باناراحتی و عصیانیت خواستار حل مشکلات خود بودند.

مشکل و مسئله اهالی از این قرار است که: روستائیان رکن آباد، ده بائین، به علت کمبود آب، جاهی در جوار قنات شوروک زده اند، و اهالی شوروک معتقدند با زدن چاه، آب قناتشان به نصف کاهش یافته، لذا آنها خواستار رسیدگی به این موضوع هستند.

اهالی شوروک اظهار می دارند که، چاه مذکور بدون مجوز قانونی بوده و ساه باسداران و همه مقامات دادگاه انقلاب هم این را تأیید کرده اند، ولی کسی از این اقدام جلوگیری نمی کند. اگر وضع بدین منوال بیس برود، امکان خونریزی بین اهالی شوروک و رکن آباد زیاد است. آنها می گویند:

"ما برای چندمین بار به مقامات مسئول مراجعه کرده و خواستار رسیدگی شده ایم، و این بار اگر به نتیجه نرسیم، خودمان راه اقدام خواهیم کرد نسبت به بستن چاه عمل لازم خواهیم کرد."

استادار یزد نیز در جمع اهالی حاضر شدند و نسبت به حل مشکل آنها قولی داد، ولی دهقانان

دهقانان یزد نو، زمین و اقتصاد شکوفا می خواهند

همزمان با اصلاحات سم بند رژیم بوسده "بهلوی" در سال ۱۳۴۲، عبادی از کشاورزان یزد بوسله عمال رژیم بهلوی به منطقه دست آزادگان (دست میمان سابق) کوچ کرده شدند و محلی به نام "بردو" بوجود آوردند. آنها یک سرک به اصطلاح معاونی روستائی شکل دادند و زمینهای حاصلخیز منطقه را از کشاورزان بومی گرفتند و بوسرک مزبور واگذار کردند.

این اعمال ضددهقانی با مخالفتها و اعتراضات دهقانان و رحمتکسان بومی مواجه شد. ولی متأسفانه اعتراضات و مخالفت کشاورزان بجائی نرسید و ساواک جنسی اعتراض در این ناحیه را بندت سرکوب کرد.

اداره سرک به اصطلاح معاونی روستائی به یکی از سرسردگان رژیم گذشته، به نام مهندس بقائی سرده شد. بدین ترتیب اگر دهقانان یزد بعنوان کارگران کشاورزی در تولید، به کارگزاران رده شدند.

مالکیت زمین در اختیار مدیران بورژوازی تعدادی از دستیارانش بود (لازم به تذکر است که مقدار وسیعی از این زمینها با اعمال زور ساواک، به یک فتوادل سرده شد و زمینهای مرغوب بقیه اکثر در دست سیوخ و مالکان بومی قرار داشت.)

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

اداره کل راه و ترابری استان مازندران، در پاسخ به مطلب مندرج در نامه "مردم" شماره ۲۰۸، مورخ ۵۹/۲/۲۳، تحت عنوان: "بسیاری از روستاهای استان مازندران فاقد جاده ارتباطی هستند"، نامه ای به اداره کل ارشاد ملی استان مازندران ارسال داشته است، که ما عینا آنرا نقل می‌کنیم:

"در مورد شکوای روستای نج کلا، قبلا جواب تهیه شده، ولی از روستاهای حالی و کلیج خیل از توابع قاش مشغیر با زدید بعمل آمده و جاده ارتباطی موجود میباشد، ولی در مورد روستاهای نسل و کلاصفا و اعلم مشخص نشده که از توابع چه شهرستانی است و در نقشه های جغرافیایی هم شناسایی نشده، لذا خواهشمند است روستاهای ناشناخته (نسل و کلاصفا و اعلم) اطلاع دهند، تا اقدامات بعدی بعمل آید."

نامه "مردم" توجه مسئولین به مشکلات روستائیان باعث خرسندی است. برای اطلاع اداره مزبور با بدگفت که، روستای "نسل" بین جاده "آندوار" و "گا وزن محله" در قریب کوه قرار دارد. شناسایی دور روستای دیگر (کلاصفا و اعلم) تحقیق خواهد شد. در آینده به اطلاع مسئولین خواهد رسید.

مردمان بستان خطر آتش سوزی در بر دارند از زبهداست و دکتر در این روستا خبری نیست. آب لوله کشی ندارد، شرکت تعاونی ندارد برق ندارد. چهار دس زندگی بخش سوریان در اینجا اخیرا یک باب حمام ساخته است. این روستا یک باب دبستان دارد، که تا کلاس پنجم ابتدائی در آن تدریس می‌شود.

با اجرای قانون واگذاری زمین به نفع دهقانان تهیدست، دهقانان را از انتظار اجرای عدالت در آورید. اجرای قانون، با توجه به آئین نامه اجرایی آن، نیا زمبرم دهقانان قنات ملک است.

بدین ترتیب کشاورزان و زحمتکسان عرب (بومی) و یزدی و تقریبا یکسان اسما میسندند. بعد از انقلاب، مالکین غیر بومی، که عمال رژیم بودند، از منطقه خارج شدند و مهندس بقائی، بعنوان یکی از مهندهای رژیم، توسط دادگاه انقلاب سیر باران شد. کشاورزان بومی نیز زمینهای خود را از فتوادل ده پس گرفتند. پس از این، سوخ و مالکان بومی تحریکات خود را شروع کردند، با کشاورزان یزدی را از زمینی که ۱۶ سال روی آن کار می‌کردند، بیرون کنند، ولی در اینجا با مقاومت سایر دهقانان عرب و یزدی مواجه شدند.

کشاورزان حندی سکایت به شورای انقلاب، ریاست جمهوری، و وزارت کشاورزی تسلیم کرده اند ولی متأسفانه تاکنون به وضع این زحمتکسان رسیدگی نشده است و هم اکنون دهقانان در بلانگلی به سر می‌برند. بدین ترتیب مقدار زیادی از این زمینها، که بسیار حاصلخیز هم هست، زیرکب نروب.

با سخوی خواست این دهقانان، اجرای قانون اصلاحات ارضی به نفع دهقانان تهیدست و زحمتکسان است. باید با اجرای سریع قانون، بانوجه به آئین نامه اجرایی آن، مسئله مالکیت در این روستا راه نفع تهیدستان حل و به سکوفائی اقتصادی و طرد روابط ظالمانه بزرگ مالکی کمک کرد.

چرا پاسداران ارسنجان محصول دهقانان را ضبط کرده اند؟

پاسداران ارسنجان محصول دهقانان روستای حسن آبا در، که با خون دل کاست و برداست شده بود، ضبط کردند.

دهقانان خوش نشین روستای حسین آباد ارسنجان، از توابع استان فارس، بعد از انقلاب مقدار ۱۳ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیرکبست بردند و برای رشد تولیدات کشاورزی تمام نیرو و انرژی خود را در زمینها سرمایه گذاری کردند. اخیرا چندتن از پاسداران ارسنجان محصولات ۳ نفر از دهقانان را، که جمعا ۷/۵ هکتار از زمینهای مالک بزرگ را به زیرکبست برده بودند، ضبط کرده اند، دهقانان برای احقاق حقوق خود به دادگاه انقلاب سیراز شکایت کرده اند. سپاه پاسداران انقلاب نهادی است انقلابی، که با بدتعام قدرت خود را در خدمت زحمتکسان روستایی کشور قرار دهد. عملکرد این گروه پاسداران متأسفانه برخلاف راستای انقلاب و عملا در جهت تشبیت مواضع ضد انقلاب است. زیرا در شرایط حساس کنونی، امپریالیسم آمریکا، به کمک ایادی داخلی خود، دست به انواع توطئه ها و نافرمانی میزند. این عمل پاسداران کمک به ایجاد نارضایتی در بین دهقانان تهیه دست است. پاسداران ارسنجان با بدحمتی از تسوده دهقانان مستضعف را بر نامه کار خود قرار دهند و در تشبیت حقوق آنها ن بکوشند.

دولت باید محصولات کشاورزی ما را خریداری کند.

چندتن از نمایندگان کشاورزان بخش زرگان (فارس) با مراجعه به مقامات اجرایی استان خواستار رسیدگی دولت محصولات کلم رومی آنان را به قیمت عادلانه خریداری کنند. توضیح اینکه، قبلا محصولات کلم رومی عربی حوزه خلیج فارس ما در میشد. بعد از انقلاب، بدستور دولت، از مودورایس محصولات جلوگیری شد، و در نتیجه دهقانان با خطرنا بودی محصولات خود روبرو شدند، زیرا در منطقه، با زار قاربه جذب تمامی محصولات نیست. بخصوص در فصل تابستان در ایسن منطقه کلم رومی خریدار ندارد. دهقانان میخواستند که دولت خود را بتنگار عرضه محصول را بدست گیرد. یکی از دهقانان در این باره به خبرنگار ما می‌گفت:

"دولت با بدخودش محصولات را بخرد و خودش هم ما در کند. ما نمی خواهیم از خود کار کنیم و محصولات را ما در کنیم." آنچه دهقانان می‌گویند، منطقی است، با توجه به دستور مقامات مسئول، امسال عده ای از دهقانان با مشکل نامبرده روبرو شده اند، دولت باید برای حفاظت و جلوگیری از ورکستی دهقانان اقدام کند، در صورت نایبودی محصولات، قطعا خسارات فراوانی به دهقانان وارد می‌آید و این امری است که باید از آن اجتناب کرد.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته های خود و اینکه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر بیاورد و سود شما اجرا شود



روزنامه‌های هند: پاکستان، به‌همدست آمریکا و چین علیه شوروی، افغانستان و جنبشهای آزادیبخش منطقه تبدیل شده است

تظاهرات مسلمانان هند علیه رژیم ضیاءالحق

مسلمانان هندتظاهرات بزرگسی در مقابل سفارت پاکستان دردهلی نو برپا و علیه مداخله پاکستان در امور داخلی هند اعتراض کردند. سخنرانان اعلام کردند که رژیم ضیاءالحق به اختلافات فرقه‌ای و مذهبی نامیزند و خطا کردند که ازین مداخلات دست بردارد.

تجاوز صهیونیستی تل آویو به جنوب لبنان همچنان ادامه دارد

گزارشهای مطبوعات لبنان نشان میدهد که در چند روز گذشته صهیونیستها هشتاد سرباز و دو هواپیمای جنگ و توپ دیگری جنوب لبنان را مستقر کرده‌اند. توپخانه نیروهای صهیونیستی با رها کردن گلوله‌های آوارگان فلسطینی و مواضع نیروهای میهن پرست لبنان را زیر آتش گرفته است. نیروهای صهیونیستی میخواهند فلسطینیها و سوریها را از مبارزه علیه طرحهای خائنانه کمپ دیوید باز دارند و فلسطینیها را در لبنان مرعوب سازند.

محاسن ارتجاعی خواب تغییر نظام اجتماعی را در لیبستان می‌بینند!

به نوشته یکی از مفسران خبرگزاری "تاس"، مشکل بتوان جا رو جنجال تبلیغاتی را، که در غرب پیرامون اوضاع لیبستان راه افتاده است، چیزی جز تلاش جهت مداخله در امور داخلی یک کشور سوسیالیستی تلقی کرد. محافل امپریالیستی میکوشند تا حوادث را در راستای مورد پسند خود بکشانند.

نیروهای مبارز السوادور ضربات درهم‌شکننده‌ای به ارتش مزدور وارد می‌کنند

هزاران نفر در مقابل سفارت آمریکا در مرکزیکو، علیه طرح‌های امپریالیسم آمریکا برای مداخله مسلحانه در السوادور دست به تظاهرات زدند. نیروهای جنبش السوادور اعلام کرده‌اند که کشتی‌های جنگی آمریکا، از جمله هواپیما و کشتی‌های دوزخ‌افشان در دریای، در نزدیکی سواحل السوادور دست به مأموریت زده‌اند و خود را برای مداخله در این کشور آماده میکنند. تدارکات جنگی آمریکا در حال صورت میگردد. نیروهای مبارز السوادور ضربات درهم‌شکننده‌ای به ارتش مزدور وارد میکنند. نیروهای مسلح جنبش همکاران نزدیک بوده‌اند، عرصه را برای سربرنده‌ای السوادور تنگ‌تر میکنند. امپریالیسم آمریکا سیل سلاح و کارشناس نظامی را به السوادور سرازیر کرده است.

وزیر دارائی افغانستان: غرب سد راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه است

عبدالوکیل، وزیر دارائی افغانستان، در نطق خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل گفت که نظام اقتصادی غیرعادلانه فعلی تنها منافع گروه کوچکی از دول امپریالیستی را تامین میکند. وی گفت که غرب عالم را عموماً سد راه پیشرفت کشورهای در حال توسعه شده است.

روزنامه‌های هند: پاکستان، به‌همدست آمریکا و چین علیه شوروی، افغانستان و جنبشهای آزادیبخش منطقه تبدیل شده است

روزنامه‌های هند قویاً افزایش تدارکات نظامی در پاکستان را محکوم میکنند. روزنامه "تایمز" ایندیانا نوشته است که طرح‌های رژیم ضیاءالحق بگونه‌ای چشمگیر قدرت کمی نیروهای مسلح پاکستان را، که در سال گذشته هفتاد درصد افزایش یافته، بالا می‌برد و هند نگران این اوضاع است.

تظاهرات مردم پاکستان علیه رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق

در پاکستان تظاهرات علیه رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق ادامه دارد. از جمله در بلوچستان پاکستان و چند ناحیه دیگر، صدها هزار تن به خیابانها ریختند و با شعارهای "مرگ بردیکتا خوری" و "مرگ بسر رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق" تفرق خود را از سیاستهای حکومت سرسبرده پاکستان اعلام کردند.

ادوارد گیرک: تنها لیبستان سوسیالیستی میتواند همچنان استقلال و ایمنی و حیثیت بین‌المللی کشور را تضمین کند

ادوارد گیرک، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کابری لیبستان، گفت که باید هر چه زودتر به حل مسائل کنونی آن کشور اقدام کرد.

آمریکا و چین صلح و ثبات آسیا را تهدید میکنند

در اعلامیه‌ای که از سوی وزارت خارجه ویتنام در هانوی انتشار یافت، آمده است:

ظاهر شاه، پادشاه مخلوع افغانستان، رهبر اصلی تعدادی از سازمانهای «اسلامی» افغانی است!

در شماره ۴ شهریور ۵۹، روزنامه اطلاعات، صاحبه اختصاصی این روزنامه سید عبدالقادر جواد، خبرنگار رسمی "نهضت اسلامی افغانستان"، وابسته به "جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی" آن کشور انتشار یافته است. در این صاحبه اعتراقات تازه و جالبی درباره ماهیت بسیاری از گروهها و سازمانهای ضدانقلابی افغانی، که همه خود را "اسلامی" مینامند، بیان شده و نیز وابستگی‌های این گروهها به آمریکا، مصر، پاکستان و چین فاش گردیده است.

در پاسخ به سؤال خبرنگار که بطور کلی چه گروهها و احزاب سیاسی مسلح در افغانستان وجود دارند، سید عبدالقادر جواد پاسخ می‌دهد:

"نهضت اسلامی افغانستان، حرکت اسلامی، سازمان نصر، حزب اسلامی رعد، حزب اسلامی افغانستان، که اینها مسلمان و پیرو خط امام خمینی هستند. ولی احزاب دیگری هستند بنام جمعیت اسلامی افغانستان، جبهه نجات ملی افغانستان، که از طرف آمریکا و مصر حمایت می‌شوند، اتحادیه مجاهدین افغانستان و تنظیم نسل نو هزاره افغانستان، که در پاکستان دفتر دارند و از جانب چین و آمریکا و پاکستان حمایت می‌شوند و اکثریت آنها مائوئیست می‌باشند.

در جهان سرمایه‌داری

افزایش درآمد سرانه در مجارستان

در روزهای گذشته اخباری در دسترس آمد که در این اخبار از یک طرف آمریکا و مصر حمایت می‌شوند، اتحادیه مجاهدین افغانستان و تنظیم نسل نو هزاره افغانستان، که در پاکستان دفتر دارند و از جانب چین و آمریکا و پاکستان حمایت می‌شوند و اکثریت آنها مائوئیست می‌باشند.

در روزهای گذشته اخباری در دسترس آمد که در این اخبار از یک طرف آمریکا و مصر حمایت می‌شوند، اتحادیه مجاهدین افغانستان و تنظیم نسل نو هزاره افغانستان، که در پاکستان دفتر دارند و از جانب چین و آمریکا و پاکستان حمایت می‌شوند و اکثریت آنها مائوئیست می‌باشند.

در جهان سوسیالیسم

بیکاری گسترده در جنوب اسپانیا

شونیدبر ژنف: فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت

بقیه از صفحه ۱

«اوضاع بین‌المللی در زمان حاضر تا حدود زیادی بفرنج است. در صحنه جهان میان نیروهای هوادار صلح و محترم شدن حقوق ملت‌ها و تشنج‌زدایی و نیروهای نظامیگر و تجاوزکار، یکبار سیاسی در جریان است. و در اینجا بخصوص در مورد سیاستی که دولت ایالات متحده آمریکا در حال حاضر دنبال می‌کند، باید صحبت کرد. کسانیکه سیاست خارجی دولت ایالات متحده آمریکا را تأیید می‌کنند، علنا در گفتمان‌های تاریخی را که در عرصه جهان روی داده و تناسب جدید قوا را در جهان نمی‌بینند و یا نمی‌خواهند ببینند. آنها هنوز این امید را در سر می‌پرورانند که شاید بتوانند بر ضد اراده ملت‌ها پیش بروند و کشورهای مستقلی را که امکان و قدرت دفاع از خود را ندارند، به تابعیت ز سلطه و سیطره خود در آورند. آنها می‌خواهند سیاست خود را به این کشورها با امر و دستور تحمیل کند و ثروتهای طبیعی آنها را در اختیار خود بگیرند و استگن بعلت انقلابهای اجتماعی در آسیا و آفریقا و بعلت اینکه در آمریکای لاتین رژیم‌های فیکه حکومت دارند در سیاست استقلال مینویسند. یوای غربی گرایش دارند در سیاست استقلال مینویسند و در فکر مصالح ملی کشورهای خودند. سخت آنی شده است. تصمیم مبنی بر استقرار یکسکهای جدید آمریکایی با کلاهکهای هسته‌ای در ویای غربی، که دولت ایالات متحده آمریکا به ناتو تمیل کرده، بخاطر علل مفهومی، تگرانی و اعتراضات داخل اجتماعی اروپای غربی و جهان را برانگیخته است. بتازگی دولت ایالات متحده آمریکا به اصطلاح مترائزی هسته‌ای جدید خود را اعلام کرد. ماهت ملی و عهده این استرئتژی در واقع به این امر منتهی شود که خود اندر بسته جنگ هسته‌ای را بنحوی ارابند که برای افکار و عقاید عمومی بیشتر قابل برش شود. و مقصود از شیرین‌زبانیها درباره به صلاح محدودیت و یا جزئی بودن کاربرد سلاح هسته‌ای هم همین است. ولی این دناوی هیچ وجه ترکیبا و واقعیات ندارند و فقط در دماغ گمراه میکنند. این سیاست فوق‌العاده برای ملت‌های جهان لرنال است. حتی بدشواری میتوان در نظر مجسم خت که این سیاست را دولتی اعمال میکند که باد باد شوروی موافقتنامه جلوگیری از جنگ هسته‌ای انشاء کرده است. تصادفی نیست که این اقدام شگن با برآشفنگی ختم آگین محافل وسیع اجتماعی سیاسی جهان روبرو گردیده است. آمریکا میخواست عدم رضایت خود را از سیاست اد شوروی ظاهر سازد، زیرا اتحاد شوروی برای ت خود مراقبت و مواظبت طبیعی ابراز میدارد و شان خود را در سختی و مصیبت تنها نمی‌گذارد. ت آمریکا درصدد برآمد چیزی شبیه به تحریم اد شوروی برپا کند. دولت آمریکا تماسهای سی و دیگر تماسهای خود را با کشور ما، یکی پس بگری، شروع به گسیختن کرد و مذاکرات درباره ل خلق سلاح را قطع کرد و حتی شرم نکرد که سائل بازگانی بعنوان حر به فشار سیاسی استفاده

کند، انواع و اقسام شگردها را برای برهم زدن بازی‌های المیک در مسکو بکار برد و از دیگر کشورهای خواست به این سیاست ضدشوروی ملحق شوند. واما چه حاصل! حالا همگان می‌بینند که تلاش برای امحاء تشنج‌زدایی و اربتاب کردن دنیا به جنگ سرد جدید، مطلقا مورد تأیید توده‌های وسیع مردم و اکثریت دولتها قرار نگرفت و برای متبرکان آن سودی ببار نیآورد. اتحاد شوروی مقادیر ضروری از کالاهایی را، که دولت آمریکا فروشی را به اتحاد شوروی مدوع کرده بود، از دیگر کشورهای خریداری کرد. در این میان فقط فارم‌ها و کارخانه‌داران آمریکایی مضرر شدند. بازیهای المیک بنا بر افغان همگان به طریقی عالی برگزار شد و به جشن واقعی ورزش و دوستی میان ملت‌ها مبدل گردید و مخالفان آن خجیل و شرم‌منده شدند. و اما در آنچه که به باصطلاح افراد سیاسی اتحاد شوروی مربوط میشود، باید گفت که هرگز افراد ساسی اتحاد شوروی وجود نداشته، وجود ندارد و وجود نخواهد داشت. تماسهای اخیر ما با پساری از دولتها، و منجمله مذاکراتان با رئیس‌جمهوری فرانسه و صدراعظم جمهوری فدرال آلمان، به طریقی مقیم نشان دادند که ضرورت حفظ و زرفر ساختن تشنج‌زدایی و همکاری صلح‌جویانه بین‌المللی و ضرورت مبارزیدن به مسابته تسلیحاتی را در همه‌جا، و منجمله در میان متحدان آمریکا، بخوبی درک می‌کنند. کاملا طبیعی است که اتحاد شوروی، که به اصول لینی سیاست خارجی خود و به متن و سند نپایی که ۵ سال پیش در هلسنکی به امضا رسید، صادق و وفادار است، به یشرت و گسترش مناسبات مسالمت‌آمیز و متقابل مفید با فرانسه و جمهوری فدرال آلمان و دیگر کشورهای اروپای غربی توجهی بسیار جدی، بدول کرده و خواهد کرد. باری بطور کلی میتوان گفت که تدریجا فیم و درک این مطلب، که هیچیک از مسائل جدی موجود در جهان کنونی را نمی‌توان از راه سیاست تکیه بزور و اسلحه برخ کنیدن حل و فصل کرده بیشتر میشود. باید فکر کرد که رهبران ایالات متحده آمریکا هم دیر یا زود به همین نتیجه خواهند رسید. البته هرچه زودتر برسند، بهتر است. سیاست خارجی کشور ما سیاست واحد و شرافتمندانه صلح‌جویی است و علیه هیچ طرف لالی متوجه نیست. ما بخاک هیچکس نظر نداریم و در امور داخلی هیچکس مداخله نمی‌کنیم. ولی همیشه می‌توانیم از حقوق و منافع قانونی خود دفاع کنیم. زروهای صلح پرشامت ما تمام وسائل لازم را در اختیار دارند، تا اینکه بهر متجاوزی جواب دندان‌شکن بدهند. ما با ارتش‌های ملی کشورهای جامعه سوسیالیستی یونان‌های برادری جنگی داریم. دو جهت عمده در سیاست بین‌المللی، که من درباره‌اش صحبت کرده‌ام، در قاره آسیا هم مقابل یکدیگر ایستاده‌اند. سیاست صلح‌جویانه اتحاد شوروی، دوستی، همکاری و تبریک ماسی ما با کشورهای

سوسیالیستی برادر مغولستان، ویتنام، لاوس، کامبوجیا و جمهوری دمکراتیک خلق کمره، مهمترین عامل صلح و ثبات در آسیاست. دیدارها و گفتگوهای اخیر ما با رقتا، له‌دون، فنان‌وان‌دونگ، تون‌بال کرسون فون-یکان، هنگ سامرین و بن‌سوان تأیید کردند که، همکاری با این کشورها در تمام جهات بسا موقتیت یشرت میکند. در همین قاره آسیا سیاست صلح‌دوستانه و واقع-بینانه هندوستان نقش مثبت مهمی بازی میکند. ما برای دوستی و همکاری متقابلا سودمند با این کشور اهمیت زیاد قائلیم. ما برای خلق کبیر هندوستان از صمیم قلب صلح و شکوفندگی آرزو داریم. مناسبات اقتصادی و غیراقتصادی ما با ژاپن چشمگیر و بساری طرفین سودمند است. ما آماده‌ایم این مناسبات را از هم گسترش بیشتری بدهیم. تا حالا انرازه در این راه موفق خواهیم شد، به ژاپن بستگی دارد. بسته به آلتی که رهبری ژاپن تا چه اندازه میتواند از خطمشی مستقرو واقع‌بینانه در سیاست خود پیروی کند و به نفوذ خارجی، که ژاپن را براه خطرناک نظامی‌گری و اقدامات خصومت‌آمیز با اتحاد شوروی سوق میدهد، تسلیم نشود. یکن و واشنگتن هم صد شده، ژاپن را از توهان مبتذل باصطلاح خطر شوروی میترسانند. ولی باید توقع داشت که سیاستمداران ژاپن خواهند توانست در ارزیابی اوضاع هوشیاری ابراز کنند و استعداد داشته باشند که واقعیات را همانطور که حقیقت وجود دارد، ببینند، نه آنطور که در آمریکا یا چین وانمود می‌سازند. و اما در آنچه که مربوط به خود چین است، باید گفت که، اکنون در این کشور روندهای درونی جدی در جریان است و بقول معروف این روندها را حتی با چشم غیر مسلح هم میتوان دید. هنوز زود است که اهمیت واقعی این روندها را ارزیابی کنیم، لیکن واضح است که همین حالا، برخی نظریات مائوئیستی، هم در توری و هم در عمل یشرت و ترفی درونی کشور، که هیچگونه وجه مشترکی بسا سوسیالیسم ندارند، در چین علنا یا پنهانی مورد انتقاد قرار میگیرد. مثلا انقلاب فرهنگی کذایی را در آنجا حالا صریحا همچون بزرگترین مصائب برای مردم چین ارزیابی میکنند. ولی مناسفانه تمام اینها فعلا در سیاست خارجی چین تأییری ندارند. سیاست خارجی چین بهمان اندازه سابق نسبت به اتحاد شوروی، ویتنام، مغولستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نسبت به آرمان و صلح و تشنج‌زدایی خصمانه است. و حتی بدتر از آن، یکن با تجاوزکار-ترین محافل امریالیستی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای امریالیستی نزدیک میشود و تلاش خود را به منظور تصادم این کشورها با اتحاد شوروی تشدید میکند، آنهم در حایکه سیاستمداران امریالیستی میکوشند چین را در اقدامات ضد شوروی عمیقتر درگیر کنند. مثلا امریالیسم آمریکا در تلاشهای خود برای اختناق انقلاب افغانستان و تبدیل افغانستان به سرلای جدید

تهدید اتحاد شوروی و کشورهای مستقل و آزادی دوست خاور زمین، بصرانه از خدمات چین و پاکستان بهره میگیرد. ولی این تلاشها محکوم به شکست اند.

ما به درخواست دوت افغانستان برای کمک به دفع تجاوز پاسخ دادیم و فریضه خود را بر طبق قرارداد دوستی شوروی و افغانستان و بر طبق اساسنامه سازمان ملل متحد تا آخر انجام خواهیم داد. در این مورد هیچ کسی نباید شک و تردید داشته باشد. ما هوادار حل و فصل سیاسی مسئله هستیم و بگانه راه رسیدن به این هدف، از راه قطع مداخلات مسلحانه ضد انقلابی و از راه توافق میان دولتهای افغانستان و همسایگانی و در درجه اول پاکستان میگذرد.

دولت ایالات متحده آمریکا از اوضاع ایران هم همچون بهانه‌ای برای تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی و تشدید مسابته تسلیحاتی استفاده میکند. محاصره اقتصادی ایران قطع نمیشود. كما فی السابق ناره‌های نیروی دریائی آمریکا، که هواپیما و نفرات کماندو در عرشه دارند، در اطراف ایران گشت میزنند. ما این گونه عملیات را غیرمجاز میدانیم و با عزمی راسخ از این اصل پیروی میکنیم که، فقط ملت ایران میتواند معین کند که از کدام راه پیش خواهد رفت.

صورت میکنم بحق باید توقع داشته باشیم که، رهبران ایران هم در مورد دیگر کشورها و در درجه اول نست به همسایگان خود چنین روشی اتخاذ نکنند.

تکرار میکنم، اوضاع بین‌المللی بفریح است. اکنون برای کشورها و ملت‌ها وظیفه‌ای مهمتر از این وجود ندارد که، تکذارتند سیاست امریالیستی از موضع قدرت و زور، تشنج‌زدایی را کنار بزنند. نگذارند چرخ مسابته تسلیحاتی یسرعت جدیدتر و بسیار خطرناکتری به گردش درآید.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی آماده‌اند که یدرتگ به بررسی این مسئله بپردازند و گواه این آمادگی برنامه‌گسترده‌ای است که اجلاس کمیته مشورتی سیاسی کشورهای عضو ایمان ورشو در ماه مه اعلام کرد و پیشنهادهای اخیر اتحاد شوروی درباره مسائل مربوط به سلاحهای موشکی و هسته‌ای در اروپا و همچنین کاهش نیروهای نظامی و تسلیحات در اروپای مرکزی، ما در انتظار پاسخ پیشنهادهای خود از رهبران کشورهای غربی هستیم. ما برای انجام اقدامات مشخص به خاطر تحکیم میانی صلح و سالم سازی اوضاع بین‌المللی، حاضریم و از آنها هم چنین آمادگی را انتظار داریم.

سیاست کشورهای سوسیالیستی با منافع اساسی همه ملت‌ها مطابقت دارد. میلیونها تن در سراسر جهان این سیاست را تأیید و تصدیق میکنند و من میتوانم با صراحت کامل بگویم که، ما در آینده نیز بسا استواری و پیگیری از این سیاست پیروی خواهیم کرد.

حکیم مناسبات دوستانه بین ایران و لیبی، بسود پیکار متحد علیه امپریالیسم و صهیونیسم است

مناسبات یازدهمین سالگرد انقلاب لیبی

امروز یازدهمین سالگرد انقلاب است. ضمن شادباش صمیمانه خلق و دولت لیبی و آرزوی نیت بیشتر در مبارزه پرسد یالیسم، از فرصت استفاده نیم و به اختصار به بررسی ی از جنبه‌های سیاست پیکر مپریالیستی این کشور می-زمیم.

بی، پس از انقلاب سال ۱۳۴۸، به سرنگونی رژیم وابسته و اعی ادریس انجامید، نه تنها مینه داخلی به دستاوردهای کی نائل گشته، بلکه و در گستره بین‌المللی به زبیکترین کشورهای عربی پیکار علیه صهیونیسم و الیسم مبدل شده است.

ی در سراسر دوران پس از کوشیده‌است، تا خویش و وابستگی اقتصادی سیاسی و ردهای امپریالیستی برهانند اینرو نیز همواره ایستادگی تانه و رویارویی خصمانه نورها و آثار محلی آنها

را برانگیخته است. این مقاومت و مقابله بویژه آنگاه سمین شده که، زمامداران لیبی در روند تجربه‌آموز انقلاب دریافتند که، کشورهای سوسیالیستی، و در مرکز آنها اتحاد شوروی، صدیق-ترین، بیکرترین و موثرترین پشتیبانان جنبش‌های آزادی‌بخش جهان و کشورهای نوپای ضد-امپریالیستی هستند.

تبلیغات امپریالیستی، علیه لیبی، که نخست بویژه به «استنزای» انقلاب لیبی مبردخت و به رهبران آن کشور، بویژه سرهنگ قذافی، توهین میکرد، با ستمگیری فزاینده لیبی در راستای پیکار ضد امپریالیستی و همگامی آن با گردانهای گوناگون آن بویژه نیروی برتوان کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی، هرچه بیشتر به سهاشی-های خصمانه و کینه‌توزانه خود علیه لیبی افزود. لیبی این خشم و کین امپریالیسم و جارحیان آنرا تنها در بوتو ساست قاطع

ضدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه خود، از جمله در خاورمیانه، اندوخته است. بویژه پس از دسیه «کمپ-دیوید»، امپریالیسم بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، دریافت که لیبی نه تنها یکی از سرسخت‌ترین افشارگران توطئه‌پرداز ضد خلقی و چپاولگرانه او در منطقه است، بلکه بعنوان عضو فعال «جبهه پایداری»، سدی در برابر قن-گریهای خائنانه ایادی، چون سادات، است. بنا بر این شکفت نیست که یاران امپریالیسم آمریکا در منطقه، مدت‌هاست که ساز نامنجاری را علیه لیبی آغاز کرده‌اند. رژیم ارتجاعی تونس، به‌بانه آنکه مخالفان آن از هواداری لیبی برخوردارند، به‌سبب «کمک» های بازم بیشتر فرانسه و آمریکا دست‌زده‌است. حتی «لیبال» های تونس، که جندب‌جسی از چشم فرمانروایسان آن کشور افتاده بودند، اینک تلاش میکنند که زیر پرچم «اتحاد در برابر دشمن» (یعنی لیبی!) بزم آشتی‌کنان خود را باززم تدارک ببینند. در چانه، رژیم دست‌نشانده فرانسه، ادام حضور نیروهای مسلح

فرانسوی را در آن کشور «باخطر لیبی» توجه میکند و اربابان پاریس‌نشین نیز منت می‌گذارند و بقای سیاهیان خویش را درجاء، تنها تاین خواسته‌های رژیم «نجانما» می‌خوانند. سادات، خائن، که در دسیه آمریکائی «کمپ دیوید»، انضاز «بازیگر اصلی» به او واگذار گشته، یکی از گستاخ‌ترین دشمنان لیبی شده‌است. زمامداران مصر، که دیگر «دعوی» یی بسا صهیونیست‌های اسرائیل ندارند، بخش بزرگی از نیروهای نظامی خود را از جبهه جنگ با اسرائیل فرآخوانده و در مرز های لیبی مستقر کرده‌اند. اخباری که اکسر درباره احتمال حمله مصر به لیبی در برخی از رسانه‌های گروهی نشر می‌یابد، از نقشه‌های تجاوز - کارانه مصر علیه لیبی خبر میدهد. رژیم سرسرمیده مصر سه سال پیش نیز به چنین تجاوزی دست‌زد. دوستی لیبی و کشورهای سوسیالیستی، بدون تردید، در مقابله با یلغارهای سادات تکیه‌گاه

مؤثری بوده است. بگفته سفیر لیبی در ایران: «اگر ما سلاح‌هایی را که از شوروی گرفته‌ایم و از آن صحبت زیاد میشود، نداشتیم، الان سادات رئیس‌جمهور مصر و لیبی باهم بودند».

لیبی، که بحاضر هوادارانش از انقلابیون ایران زمانی مغضوب محدرضا گنت و رژیم دست-نشانده پهلوی بدستور ادبایش با آن قطع رابطه کرده، پس از پیروزی قیام ۲۲ بهمن نیز همواره از انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ما به پشتیبانی همه‌جانبه برخاسته‌است.

از سوی دیگر، بگواه مصاحبه‌ای که سعد مجیر، سفیر لیبی در ایران، چند روز پیش باخبرگزاری پاریس بعمل آورد، لیبی معتقد است که ایران انقلابی میتواند و باید، در کنار دیگر نیروهای راستین انقلابی منطقه، به یکی از اجزای عمده جبهه مبارزه ضد امپریالیستی و صهیونیستی در منطقه بدل گردد. سفیر لیبی پیشنهاد کرده است که برای تحکیم این مبارزه،

هم‌آوایی و هماهنگی بیشتری میان ایران و لیبی و کشورهای جنبش‌های مترقی دیگری چون الجزایر، سوریه و فلسطین پدید آید.

متاسفانه رزارت خارجه ایران در گذشته از این امکان استفاده نکرده‌است، تا جانی که هنوز هم دست‌های مرموزی رادر کار می-بینیم، که هر چند مدت پیکار در روابط ایران و لیبی اخلال می-ورزند و حتی میخواهند که این مناسبات را به تیرگی بکشانند.

ما، در یازدهمین سالگرد انقلاب لیبی، پیروزیهای این کشور دوست را در پیکار علیه امپریالیسم و صهیونیسم و در راه بهبودی خلق آن کشور، به انقلابیون لسی شادباش می‌گوئیم.

ما ضمن اعلام همبستگی دوباره خود با این مبارزه، از دولت جدید خواستاریم که هرچه بیشتر در تحکیم مناسبات میان دو کشور و دو خلق ایران و لیبی بکوشد و از ایشان پیکار متحد خلق‌های منطقه را علیه امپریالیسم و صهیونیسم توان بکشد.

تأمین کار برای کارگران پیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تازه ترین شاهکار آقای دکتر یزیدی در کیهان

روزنامه کیهان، ارگان لیبرال-های ایران، که به سرپرستی آقای دکتر یزیدی، وظیفه ادامه تبلیغ سیاست کام به کام را بر عهده گرفته است، تازه ترین شاهکار خود را در دروغ برآکنی در شماره دیرروز خود به معرض نمایش گذاشت. ارگان لیبرالهای ایران، به نقل از ساندی تایمز، یکی از ارگانهای امپریالیستهای انگلیسی، نوشته است:

«اتحاد شوروی برای تقویت کمونیزم، قریب به ۷ هزار فدرسویزبان به استان آذربایجان ایران فرستاده است. این افراد از ناحیه تاجیکستان میباشند و موفقیتهای قابل توجهی در تیریز کسب کرده اند. تاجیکها در آذربایجان مدارس مخفی تأسیس نموده اند و قول داده اند تا سینماها را بکشایند و حجاب اجباری را لغو سازند.»

شاید امپریالیستهای انگلیسی، که بنا بر وظیفه میکوشند در آستانه یورش جدید خود خطرناک پس عمودهای خود، امپریالیستهای امریکائی، علیه انقلاب ایران، افکار را به جانب خطرات موهوم منحرف کنند، بتوانند به خواننده بیخبر انگلیسی خود، این دروغ بزرگ و بویژه مضحک را بفولانند. اما آقای دکتر یزیدی که باید بدانند زبان آذربایجانی فارسی و زبان تاجیکها آذربایجانی نیست! آقای دکتر یزیدی قبل از انتشار چنین به اصطلاح خبری قاعدتاً باید این سؤال را برای خود مطرح کنند که چگونه ۷۰۰۰ تاجیک توانسته اند به ایران بیایند، بدون اینکه هیچکس متوجه شود! ... آخر دروغ هم - مثل هر چیز دیگر - حدی دارد. آیا شدت غرض و کینه نسبت به کمونیستها و اتحاد شوروی - که دوستان صدیق انقلاب ایران اند - تا به آنجاست که چنین دسته گلی به آب داده شود؟! ...

توجه!

مقالات زیر نامه مردم، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود: - ضد انقلاب در عمل (شماره ۲۹۷). - امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، همچنان آماج اصلی انقلاب ایران است (شماره ۳۲۰).

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: **منوچهر بهزادی**

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
 (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 322
 1 September 1980

Price:
 West-Germany 0.80 DM
 France 2 Fr.
 Austria 8 Sch.
 England 20 P.
 Belgium 10 Fr.
 Italy 350 L.
 U.S.A. 40 Cts
 Sweden 1.50 Skr.

در ادامه معاکمه عاملان فاجعه سینما رکس: طرح عملیات ساواک در جنایت سینما رکس فاش شد

دادگاه تریبونی برای انشای جنایات رژیم شاه سابق

آقای قیسی، دادستان ویژه پرونده فاجعه هولناک سینما رکس، در يك مصاحبه اختصاصی با روزنامه کیهان، که در شماره روز ۹ شهریور این روزنامه چاپ شده است نکات جالب توجهی را بیان داشته است. وی درباره متهمین و فراریان این فاجعه گفته است: «آنها که در مظان اتهام هستند از رئیس شهریارانی وقت تا معاونین او گرفته و مامورین شهریارانی را تشکیل میدهد، که البته یک سری متهمان رده بالا متأسفانه مثلاً سرتیپ رزمی قبل از پیروزی انقلاب فرار کرده، و بقیه هم بعد از انقلاب بوسیله کسانی که اینجا صاحب سمت در کیهان بوده اند، فراری داده شده اند و الان هم متواری و غایب هستند. این دادگاه به پرونده آنها رسیدگی خواهد کرد و حکم غایبی صادر خواهد شد. دولت باید به هر وسیله ای که میتواند و تا حدی که امکان دارد، سعی کند این فراریان را استرداد نماید، چون اینها کسانی است که در خارج از ایران ساکت بنشینند. افرادی نظیر مهندس حترئی شهردار وقت و مهندس عزیزی رئیس سازمان آب فراری هستند و اینها افرادی بودند که با گرفتن تصمیم قرار وثیقه آزاد شدند و با وجودی که ما اسامی آنها را در روزنامه اعلام کردیم، خود را معرفی نکرده اند.»

در ارتباط با شرکت مستقیم رژیم شاه سابق در این جنایات، دادستان گفته است: «آنقدر دلایل و قراین در دست هست که این کار توسط رژیم انجام گرفته که گمان می‌کند با برگزایی دادگاه خود بخود این مسئله برای همه روشن خواهد شد. این یک کار سازماندهی شده از پیش بوده است و جز رژیم هیچکس اینکار را انجام نداده است. هر چند عامل اجرایی و یک عده از عوامل اجرائی آدمهایی ساده و اجیاجا غیروایسته بودند. این دادگاه میتواند یک تریبونی باشد برای افشای یک مدعز از جنایاتی که آن رژیم کرد. ولی خوب متأسفانه ما دست بدامن هر کسی شدیم، سند و مدرکی بنا نداد. مثلاً سازمان اسناد ملی انقلاب اسلامی، با وجود نامه ای که خود آقای قدوسی نوشت و با وجود مراجعات روزانه، ما و بهر حال که فکر میکردیم مطلب بدرن بخوری ممکن است باشد، مراجعه کردیم، بجز شهربانی کل، هیچکدام چیز بنا ندادند. کلا مقامات مسئول از دادن اسناد و مدارک ایا دارند و خودداری می‌کنند. اسناد فراوانی وجود دارد که آدم وقتی که برخورد می‌کند از غفلتی که ارگانهای اجرایی داشتند از افشای جنایاتی که در رژیم سابق صورت گرفته تعجب می‌کند.»

دادستان در پایان مصاحبه در جواب این سؤال که: «آیا افرادی که دستگیر شده اند واقعا مقتصرانند؟» گفت: «اینهایی که دستگیر شده اند اکثرشان مقتصرانند و اگر کسان دیگری ما در این رابطه پیدا کردیم، که مقتصر و دخیل بودند، مردم همه موظفند که اینها را دستگیر کرده و تحویل دهند. بنابراین جهت ندارد که اگر کسی مقتصر بوده، ما از تحویلش خودداری کنیم. البته وظیفه من وقتی اینجا آمدم فقط این بوده است که پرونده را برای تحویل بدادگاه تنظیم کنم. ولی بهر حال تحقیقاتی را کرده ام.»

نامه کمیته...

بقیه از صفحه ۱

و ارتجاع، نشان داد که سازمان شما بیسار وفادار، استوار و بی‌تزلزل راه طبقه کارگر است و به آن درجه از بلوغ سیاسی و شکستگی در مبارزه دست یافته است که حق داشته باشد خود را ادامه دهنده راه سازمان جوانان توده ایران بداند.

رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران با مسرت تمام دست شما توده‌ای‌ها را در صفوف سازمان جوانان توده ایران پذیرا میشود. ما گنجینه تجارب تلخ و شیرین خود را فراره شما نهادیم و امید آن داریم که با استفاده از این گنجینه‌ها، با اصولیت انقلابی، استوار و بی‌تزلزل، در راه خلق، در راه طبقه کارگر گام بردارید.

رفقای جوان! نام پرافتخار «سازمان جوانان توده ایران» بر شما مبارک باد! آرزو میکنیم که دوشادوش

طبقه کارگر مبارز ایران، در طرد امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موفق تر باشید. آرزو داریم که شور و شوق انقلابی و انرژی جوانان شما دختران و پسران جوان، روند مبارزه در راه ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و پایگاههای اجتماعی آن در مین ما سرمایه داری بزرگ و وابسته و بزرگ مالکی- منفرد ساختن سرمایه داری لیبرال و پیشرفت همه جانبه اجتماعی بسود زحمتکشان جامعه را تسریع کند.

آرزو داریم که زیر رهبری حزب توده ایران و با پیروی از جهان بینی علمی و مشی اصولی و انقلابی حزب پرافتخار ما، در امر متحد ساختن توده‌های جوان مین ما در جبهه متحد خلق کامیاب باشید.

زنده باد سازمان جوانان توده ایران!
 کمیته مرکزی حزب توده ایران
 دبیر اول: نورالدین کیانوری
 ۹ شهریور ۱۳۵۹

در آستانه کودتای ۲۸ مرداد، کودتاچیان جو ضد توده‌ای و ضد شوروی را تشدید کردند بهوش باشیم تا تجربه ۲۸ مرداد تکرار نشود

در روزهای پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۴۴، تمل امپریالیسم آمریکا (سفیر آمریکا در ایران، لویس هندرسن، کارمند سیاه، گرمیت روزوت و دیگران) یکمک همب- دست نشان (نظیر بقایایها) جو شدید ضد توده‌ای و ضد شوروی را ایجاد کرده، بی‌وسه دهن میزدند. آنها از این جو ضد توده‌ای و ضد انقلابی، از یکسو برای تحریک احساسات عناصر ناآگاه (بویژه در ارتش و اندامهای روشنفکرانه) استفاده میکردند، از سوی دیگر تمایلات سازشکارانه نسبت به امپریالیسم و شک و سوغتن نسبت به نیروهای توده‌ای و ضد شوروی ایجاد کرده، آرا دامن میزدند.

اکنون نیز امپریالیسم و ضد انقلاب پرورده‌اش نهایت تلاش را دارند، تا از این جو ضد توده‌ای و ضد شوروی، از یکسو برای تحریک احساسات عناصر ناآگاه و ساده اندیش استفاده کنند، و از سوی دیگر تمایلات سازشکارانه نسبت به امپریالیسم و شک و سوغتن نسبت به نیروهای راستین انقلاب را تشدید نمایند. اکنون نیز عمل امپریالیسم و ضد انقلاب دشمن نهایت تلاش را داشته و دارند که به جو ضد توده‌ای و ضد شوروی که ایجاد کرده اند، جنبه «عادی» و «رسمی» بدهند، تا وسیله «تلقینی» و «قونوی» برای وارد آوردن ضربه قطعی به انقلاب شکوهمند ایران و نظام جمهوری اسلامی بشود...

همه باید بهوش باشیم تا تجربه ۲۸ مرداد، نه در کلیات و نه در جزئیات، تکرار نشود. انقلاب شکوهمندمان و نظام جمهوری اسلامی ایران را از دستبرد عمل امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، در مقبل توسط توده‌های گسسته و بی‌وسه آنها محفوظ داریم.

کودتاچیان درست منتظر همین فرمان بودند، زیرا دستوریکه قبلا رئیس شهربانی درباره جلوگیری از تظاهرات توده‌ای داده بود، کاملاً معرئه بود و جنبه علنی و رسمی نداشت. با این فرمان رسمی فرمانداری نظامی حکومت مصدق، در واقع همه جنایات کودتاچیان علیه مردم و برای انجام کودتا صورت «رسمی» و «قانونی» پیدا میکرد. این فرمان فرمانداری نظامی دولت مصدق دست نیروهای پیشروی انقلابی را

حمله به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان

حدود ساعت ۱۰ شب روز سه شنبه ۲۹ شهریور، عده‌ای از افسراد غیرمسئول و ضد انقلابی بار دیگر، علیرغم سخنان دادستان کل کشور مبنی بر اینکه حمله به گروهها در خط امام نیست، به دفتر حزب توده ایران در مسجد سلیمان یورش بردند و پس از تخریب در و پنجره‌ها، های دفتر، کتب و نشریات موجود را در مقابل دفتر به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایسران در

حادثه ۲۹ شهریور در مسجد سلیمان، ضمن محکوم کردن این گونه اعمال که با توجه به موفقیت کنونی کشور و خطر تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا و عوامل دخا و خارجی آن، جز به نفع امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن نیست، خواستار رسیدگی جدی قوری به این واقعه و پی‌گرفته نونی افراد غیرمسئول و ضد انقلابی شد است.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، که در عمل صداقت انقلابی خویش را در وفاداری به آرمان طبقه کارگر ایران به نیوت رسانده است، اجازه می‌خواهد که به‌صفت سازمان جوانان توده ایران ببیند و بکوشد در سنگر سازمان جوانان توده ایران و تحت رهبری مستقیم حزب توده ایران، به رزم خویش علیه امپریالیسم و ارتجاع و بخاطر ایجاد ایرانی مستقل، آباد و آزاد و فارغ از ستم طبقاتی ادامه دهد.

رفقا! ما امیدواریم که بتوانیم

دبیر اول: کیومرث زرنشانی
 ۲۵ شهریور ۱۳۵۹